



## فهرست

- آینده روشن با حضور در انتخابات! / ۲  
بررسی امکان برگزاری انتخابات الکترونیک خانه موسیقی / ۳  
گفت و گوی حمیدرضا عاطفی با استاد محمدرضا شجریان / ۶  
هر کدام از سازه‌های قنبری مهر یک جواهر است / ۱۲  
جلسه مشاوره مالیاتی فعالان حوزه موسیقی برگزار شد / ۱۳  
صدا و سکوت - استاد و شاگرد / ۱۴  
جایگاه مفقود شده کارشناسان در تصمیم‌گیری مدیران / ۱۹  
موسیقی کبیر / ۲۳  
تازه‌های کتاب و آلبوم / ۲۴  
رنسانسی دیگر باید / ۲۶  
احتمال برگزاری آنلاین جشنواره موسیقی امیرجاهد در سال ۱۴۰۰ / ۲۸  
گفتگوی کوتاه پیرامون صنعت نشر با غلامعلی علمشاهی / ۲۹  
اخبار موسیقی / ۳۰  
درگذشتگان تابستان ۱۳۹۹ / ۳۲

### فصلنامه داخلی خانه موسیقی ایران

سال دهم - شماره ۳۸ - تابستان ۱۳۹۹

سردبیر: حمیدرضا عاطفی

همکاران: اعضای هیئت مدیره کانون پژوهشگران، عطانویدی، ملیحه توکلی

ویراستار: مریم قاضی

مدیر هنری: افشین ضیائیان

گرافیک و صفحه‌آرایی: لیلی اسکندریپور

توزیع: سیدجواد موسوی‌زاده

خانه موسیقی شماره ۱: خیابان فاطمی غربی - نرسیده به جمالزاده - شماره ۲۷۰ - تلفن: ۶۶۹۱۷۷۱۱

خانه موسیقی شماره ۲: میدان فاطمی، ابتدای خیابان شهید گمنام، خیابان جهانمهر، نیش بوعلی سینای غربی - تلفن: ۶۶۴۸۲۰۷۴

www.iranhmusic.ir

\* دیدگاه نویسندگان فصلنامه الزاماً مبنی بر موضع رسمی نهاد خانه موسیقی نیست.



\*حمیدرضا عاطفی

## آینده روشن با حضور در انتخابات

محدودیت‌های تجمع و ملزومات مرتبط با آن، موضوع یادداشتی از صاحب این قلم شد و پیشنهاد دادم که به عنوان یکی از مواردی که در آینده باید در ذهن صاحب‌نظران و اعضای هیئت مدیره و مجمع عمومی خانه باشد، همین موضوع انتخابات و برگزاری الکترونیک آن است و باید در اصلاح اساسنامه و توجه به زیرساخت‌های لازم اقداماتی انجام شود اما متأسفانه این مورد با کج فهمی دستمایه برخی دوستان قرار گرفت و با اصرار قصد تحمیل نظریات غیر قانونی و غیر عملی خود را داشتند و به هیچ وجه نمیخواستند بپذیرند که در شرایط فعلی انجام چنین امری با توجه به ظرفیت‌های فنی وجود ندارد...!

به هرحال خانه موسیقی همواره اعلام کرده است که متعلق به همه اهالی هنر موسیقی بوده و از حضور همه دوستان و هنرمندانی که دل در گروه تعالی هنر داشته و به فرهنگ و هنر ملی ایران عشق می‌ورزند استقبال می‌کند... قطعاً اگر همه با دغدغه ارتقا و اعتلای نهاد مدنی خانه و با هدف گره‌گشایی و تقویت صنف پای در میدان انتخابات بگذارند به شور انتخاباتی افزوده و با نتایج خوب و تاثیرگذاری مواجه خواهند بود و با برآیند آن که یک هیئت مدیره قوی و منسجم است می‌توان آینده روشنی برای این صنف و هنرمندان شریف آن متصور بود.

\* سردبیر

ایام فتنه انگیز کرونایی است و همچنان مردم مترصد فرصتی تا دستی به عیش برآورند و داد خود از کهنتر و مهتر بستانند... و هنرمندان و اهل فرهنگ نیز در این وانفسای روزگار به کنجی خزیده و گوهر خویش صیقل می‌دهند که این خود فضیلتی است دو چندان که به اجبار نصیب همه گشته است و باید این فرصت را مغتنم شمرد و برای همگان آرزوی عافیت کرد تا از این بلای جهان خیز به سلامتی به در بیایند و دگر باره کمر همت به فرهنگسازی و تعالی هنر ببندند.

خانه موسیقی اما در گیر و دار و ممانعت‌های ایجاد شده نسبت به گردهمایی‌ها مجبور شد در دو نوبت انتخابات کانون‌های تخصصی اش را به تعویق بیندازد تا اینکه بعد از بحث و بررسی‌های فراوان و رایزنی‌های متعدد به این نتیجه رسید که بهتر است تا در فضای باز و با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی به این امر خطیر تن دهد و خون تازه را به بدن این نهاد بیست و چند ساله وارد کند.

اما طبق روال معمول و سنت چندین ساله این مساله بهانه و سبب مناسبی شد برای عرض اندام‌ها و نمایش‌های جدید که از قضا بد هم نیست و در حد کفایت در شناخت و بینش اهل نظر تاثیرگذار خواهد بود.

به عنوان مثال در شماره قبل فصلنامه، موضوع کرونا و

## بررسی امکان برگزاری انتخابات الکترونیک خانه موسیقی



خانه موسیقی تیرتی انتقادی نسبت به این نهاد انتخاب می‌کند! با احترام به تمام اهالی رسانه و خبرگزاری‌ها و روزنامه‌هایی که شبانه روز در جهت صداقت و راستی قلم می‌زنند، ظاهراً برخی سایت‌ها از کمبود سوژه رنج می‌برند و کجا برای تاختن بهتر از خانه موسیقی!؟

و مهمتر اینکه همانطور که همه می‌دانیم هیچ عملکردی بدون از نقص و عیب نیست بخصوص خانه موسیقی که نه بودجه‌ی تعریف شده‌ای دارد، نه قدرت اجرایی داشته و نه صدایش به رسانه‌ی ملی که از نام موسیقی هم پرهیز می‌کند می‌رسد. پس بی‌خطرترین خبرها می‌تواند نقد عملکرد خانه موسیقی و کمرنگ کردن هر چه بیشتر نقاط مثبت این نهاد است.

ظاهراً در همچنان بر پائش‌سینه‌ی چشم بستن و حرف زدن می‌چرخد؛ نه تماس‌های مکرر با دبیران سرویس‌های هنری کارگر می‌افتد، نه توضیحات مکتوب و رسمی روابط عمومی. گاهی فکر می‌کنیم به زبان دیگری سخن می‌گوییم یا شاید فکر میکنیم فریاد می‌زنیم ولی کسی متوجه حرف‌هایمان نمی‌شود. ولی خوشبختانه عزیزان این فصل نامه را از اول و تا آخر می‌خوانند و لازم است با توضیحاتی کافی که در ذیل این مقدمه ذکر می‌شود بگوییم: فعلاً نمی‌شود، نمی‌توانیم و از نظر اساسنامه اجازه نداریم انتخابات خانه را به صورت الکترونیک برگزار کنیم!

در سرمقاله شماره پیشین فصلنامه خانه موسیقی به قلم سردبیر، با توجه به شیوع ویروس کرونا و پرهیز از هرگونه اجتماعات و همچنین پایان قانونی زمان فعالیت هیئت مدیره مرکزی و کانون‌های خانه موسیقی، لزوم فراهم ساختن ساز و کاری برای برگزاری انتخابات الکترونیکی خانه گوشزد شده بود. همین چند خط باعث سو تفاهاتی بین تعدادی از اهالی موسیقی شد که خانه موسیقی چرا انتخابات را آنلاین برگزار نمی‌کند. جالب اینجاست در این میان فردی که خود در سال‌های دور مدتی مسئولیت اجرایی در خانه موسیقی داشته و هنوز هم خود را با پسوند سابق همان سمت یاد می‌کند و علی‌القاعده باید نسبت به افرادی که هیچ سر و کار صنفی با خانه موسیقی نداشته‌اند بیشتر به اساسنامه و ساز و کار اجرایی این نهاد اشراف داشته باشد، از هر رسانه‌ای که توانسته مکرراً به برگزاری انتخابات آنلاین خانه موسیقی پرداخته است.

یکی از رسانه‌ها هم در دورانی که خانه موسیقی بیش از هر زمان روی پای خود ایستاده و بدون از هرگونه حواسی و خوشبختانه با کمترین آسیب از دوران کرونا به فعالیت خود ادامه می‌دهد و در جهت منافع صنفی اهالی موسیقی می‌کوشد، همین انتخابات آنلاین را دستمایه انتقاد قرار داده و با گفتگوهای مسلسل وار و تیرهایی غرض‌ورزانه خانه موسیقی را مورد حمله‌های خود قرار می‌دهد تاجایی که برای گفتگو با دبیر و سخنگوی شورای عالی

موسیقی هم در این راستا به خبرگزاری ایسنا گفت: اگر انتخابات خانه موسیقی بدون تغییر اساسنامه به صورت مجازی برگزار شود، افرادی که تا کوچکترین اتفاقی رخ می‌دهد شروع می‌کنند به انتقاد از خانه موسیقی، این بار هم می‌گویند که خلاف اساسنامه عمل شده است.

پیرنیاکان در ابتدا برگزاری مجازی انتخابات خانه موسیقی را خلاف اساسنامه می‌داند و توضیح می‌دهد: اگر قرار به انجام این کار باشد، باید اساسنامه تغییر داده شود. اگر انتخابات خانه موسیقی بدون تغییر اساسنامه به صورت مجازی برگزار شود، افرادی که تا کوچکترین اتفاقی رخ می‌دهد شروع می‌کنند به انتقاد از خانه موسیقی، این بار هم می‌گویند که خلاف اساسنامه عمل شده است.

او در ادامه صحبت‌های خود توضیح می‌دهد: برای تغییر اساسنامه باید مجمع عمومی تشکیل شود که این کار هم با توجه به لزوم گردهمایی افراد، در شرایط کنونی امکان‌پذیر نیست. حال اگر موفق به تغییر اساسنامه شویم، شش ماه زمان لازم خواهد بود تا تصویب شود. اگر کسی بیان می‌کند که انتخابات خانه موسیقی باید مجازی شود، در ابتدا باید شرایط را بررسی کند؛ چراکه اگر سعی کنیم بدون داشتن اطلاعات کافی جریان را راه بیندازیم، مقصود خودنمایی خواهد بود. از طرفی اینکه گفته می‌شود هر بار



### توضیح روابط عمومی خانه موسیقی درباره انتخابات غیر حضوری

در پی انتشار مطلب یکی از رسانه‌ها پیرامون انتخابات الکترونیک خانه موسیقی، روابط عمومی خانه موسیقی با انتشار متنی درباره شرایط برگزاری انتخابات بصورت غیر حضوری توضیحاتی ارائه کرد.

پیرامون درج خبری پیرامون برگزاری انتخابات خانه موسیقی بصورت الکترونیک با عنوان «خانه موسیقی رکورد می‌زند اگر...» به شماره ۹۹۰۶۲۲۱۵۹۹۰ و تاریخ ۲۲ شهریور ماه ۱۳۹۹ در سایت رسمی ایسنا لازم به توضیح است، برگزاری انتخابات مجامع عمومی ده گانه خانه موسیقی باید مطابق اساسنامه این نهاد باشد و از آنجا که در اساسنامه خانه موسیقی که در سایت رسمی این نهاد صنفی قابل مشاهده است هیچگونه تمهیداتی برای برگزاری انتخابات بصورت الکترونیک، غیر حضوری و ... پیش بینی نشده است، لذا برگزاری انتخابات به این شکل مستلزم تغییرات اساسنامه با تصویب مجمع عمومی خانه موسیقی است.

از آنجا که طبق مصوبات ستاد مبارزه با کرونا هیچ مجوزی به تجمعات فرهنگی داده نشده امکان برگزاری مجمع عمومی خانه موسیقی در حال حاضر وجود ندارد.

لازم به ذکر است، در صورت اخذ مجوز از ستاد مبارزه با کرونا برای برگزاری مجامع عمومی، برگزاری انتخابات دوره جدید در دستور کار است و پس از تشکیل مجمع عمومی جدید تغییرات اساسنامه‌ای جهت برگزاری انتخابات الکترونیک بررسی می‌گردد. همچنین برگزاری انتخابات بصورت الکترونیک مستلزم داشتن زیرساخت‌های دقیق جهت دقت در رای گیری، صیانت از آرای اعضای خانه موسیقی و مستند سازی انتخابات است، که این زیرساخت‌ها تاکنون فراهم نگردیده و بدیهی است در صورت اصلاح اساسنامه مبنی بر اجازه برگزاری به صورت غیر حضوری می‌باید در زمینه ایجاد زیرساخت‌های مورد نظر اقدامات لازم انجام گیرد.

### انتخابات مجازی خانه موسیقی نیازمند

#### تغییر اساسنامه است

داریوش پیرنیاکان، دبیر و سخنگوی شورای عالی خانه

در صورت اخذ مجوز از ستاد مبارزه با کرونا برای برگزاری مجامع عمومی، برگزاری انتخابات دوره جدید در دستور کار است و پس از تشکیل مجمع عمومی جدید تغییرات اساسنامه‌ای جهت برگزاری انتخابات الکترونیک بررسی می‌گردد

عده مشخصی در انتخابات خانه موسیقی شرکت می‌کنند، درست نیست؛ زیرا هر بار حداقل از کانون ما ۶۰۰ نفر حضور داشته‌اند.

پیرنیاکان اضافه می‌کند: من از بنیان‌گذاران خانه موسیقی و جزو پنج نفری هستم که اساسنامه را نوشته‌اند و اکنون هم تمامی زوایای اساسنامه را حفظ هستم. اینگونه نیست که رأی به انجام تغییراتی در اساسنامه دهیم و به راحتی انجام شود، البته بخش‌های متفاوتی از اساسنامه قابل تغییر است ولی برای آن باید مجمع عمومی تشکیل شود که در شرایط فعلی امکان‌پذیر نیست.

از او سوال می‌کنیم که مدیریت خانه موسیقی را در حال حاضر به چه صورت می‌بیند؟ پاسخ می‌دهد: خانه موسیقی هیچگاه

پیرنیاکان درباره دیگر اقدامات خانه موسیقی بیان می‌کند: بیشتر خانه موسیقی تلاش کرده بود که نظر خود را از نظر فنی و هنری بر مجوز کلاس‌های موسیقی که توسط وزارت ارشاد صادر می‌شود، اعمال کند تا مشخص شود چه کسی می‌تواند کارت تدریس بگیرد. این روند تا قبل از حضور دولت احمدی نژاد انجام شد و کلاس‌های آموزشگاه‌های موسیقی در حال طی کردن مسیر درست بودند و افرادی حرفه‌ای در آموزشگاه‌ها تدریس می‌کردند. ولی به محض روی کار آمدن دولت احمدی نژاد این اختیار از خانه موسیقی گرفته شد. اکنون یک سال است که پس از مدت‌ها تلاش توانستیم دوباره این اختیار را به دست بگیریم.

او ادامه می‌دهد: در مدتی که این اختیار از خانه موسیقی گرفته شده بود افرادی که اصلا در کار هنری سر رشته‌ای ندارند و تنها قصد سرمایه‌گذاری روی یک کسب و کار را داشته‌اند، مجوز برگزاری کلاس آموزش موسیقی گرفته بودند. ولی ما تلاش کردیم که دوباره نظارتی بر این موضوع داشته باشیم تا جوان‌ها و خانواده‌ها آسیب نبینند؛ چون وقتی آموزشگاهی با مجوز رسمی وزارت ارشاد می‌بینند، اعتماد می‌کنند ولی نمی‌دانند چه کسی در آنجا درس می‌دهد.

### برگزاری الکترونیک انتخابات خانه موسیقی شایعه است

حمیدرضا عاطفی معاون اجرایی خانه موسیقی نیز در گفتگو با سایت روزنامه صبا درباره زمان انتخابات این نهاد گفت: قرار بود انتخابات خانه موسیقی طبق روال همیشگی یعنی خرداد ماه برگزار شود که به دلیل شیوع ویروس کرونا لغو و به مرداد ماه موکول شد که این انتخابات هم به دلیل مخالفت ستاد ملی کرونا با تشکیل تجمع به تعویق افتاد و فعلا هیچ تاریخ دقیقی برای برگزاری آن مشخص نشده است.

وی افزود: در حال حاضر منتظریم وضعیت سفید شود تا ستاد ملی کرونا مجوز مربوطه را صادر کند و می‌شود گفت در حالت استندبای برای برگزاری انتخابات خانه موسیقی هستیم.

او درباره برگزاری انتخابات خانه موسیقی این طور توضیح داد: برای برگزاری انتخابات قوانینی در اساسنامه خانه موسیقی وضع شده است. بر این اساس باید ۲۰ روز قبل از مجمع، تاریخ برگزاری این جلسه به صورت عمومی اعلام شود.

عاطفی در پایان ضمن رد اخباری مبنی بر برگزاری انتخابات خانه موسیقی در هفته آینده به صورت الکترونیکی گفت: برگزاری انتخابات الکترونیکی از نظر قانونی باید در اساسنامه اعمال شود. این طرح باید در مجمع به رای گذاشته شود تا قبول یا رد شود و این مستلزم برگزاری مجمع عمومی است. حتی اگر این طرح در مجمع رای بی‌اورد برای ثبت باید پروسه‌های طولانی ۶ ماهه تا یک ساله را طی کند. از طرفی انتخابات الکترونیک بیشتر شبیه یک شایعه است چون باید برای برگزاری آن زیرساخت‌های فنی قوی فراهم شود که آن هم زمان‌بر است.

تا این حد که اکنون فعال است، فعال نبوده است. هیچکس در خانه موسیقی پسرخاله من نیست که بخواهم طرفش را بگیرم و واقعیت را می‌گویم؛ چون از ابتدا که خانه موسیقی در یک اتاق تأسیس شده و بعدها که کم کم پیشرفت کرد، حضور داشته‌ام.

پیرنیاکان ادامه می‌دهد: انتقادی که به خانه موسیقی دارم، این است که کارهایی را که انجام می‌دهند، در بوق و کرنا نمی‌کنند. از زمانی که آقای نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی بوده، کارهای مهم و تحولات زیادی در خانه موسیقی صورت گرفته است. بارها به آنها گفته‌ام که لیست کارهای صورت گرفته در خانه موسیقی را منتشر کنند تا اعضای خانه موسیقی و جامعه هنری در جریان قرار بگیرند.

این هنرمند همچنین نمونه‌هایی از اقداماتی که در خانه موسیقی صورت گرفته را ذکر می‌کند و می‌گوید: از معیشت هنرمندان گرفته تا بیمه آنها، قانون کپی رایت، اجحافات که در حق هنرمندان صورت گرفته، تلاش‌های زیادی از طرف خانه موسیقی برای حل این مشکلات انجام شده است. همچنین زمانی که اعلام شد هنرمندان باید حق بیمه خود را در دوران کرونا پرداخت کنند، آقای نوربخش بارها رفت و آمد کرد تا موضوع پرداخت حق بیمه لغو شد. همچنین خانه موسیقی با توجه به شرایط حاضر بارها تلاش کرده که یک وام بلاعوض به هنرمندان

خانه موسیقی با توجه به شرایط  
حاضر بارها تلاش کرده که  
یک وام بلاعوض به هنرمندان  
پرداخت شود که با توجه به  
تعداد ۱۶ هزار عضوی خانه  
موسیقی مبلغ کمی نخواهد بود

پرداخت شود که با توجه به تعداد ۱۶ هزار عضوی خانه موسیقی مبلغ کمی نخواهد بود.

او ادامه می‌دهد: به انجام رساندن چنین اقداماتی با وجود مقامات و مسوولانی که داریم کار راحتی نیست و بارها باید رفت و آمد کرد تا کار به نتیجه برسد. باید لیستی از اقداماتی که هر مدیر در زمان فعالیت خود انجام داده، تهیه شود تا افکار عمومی از فعالیت‌های انجام شده آگاه شود.

این موسیقیدان می‌گوید که «صحبت‌هایی که می‌کنم برای تعریف از خود نیست؛ چون هیچگاه جزو تیم اجرایی خانه موسیقی نبوده‌ام، البته در عین حال خیلی وقت‌ها از عملکرد خانه موسیقی انتقاد کرده‌ام ولی نباید واقعیت را نادیده گرفت.»

درآمد:

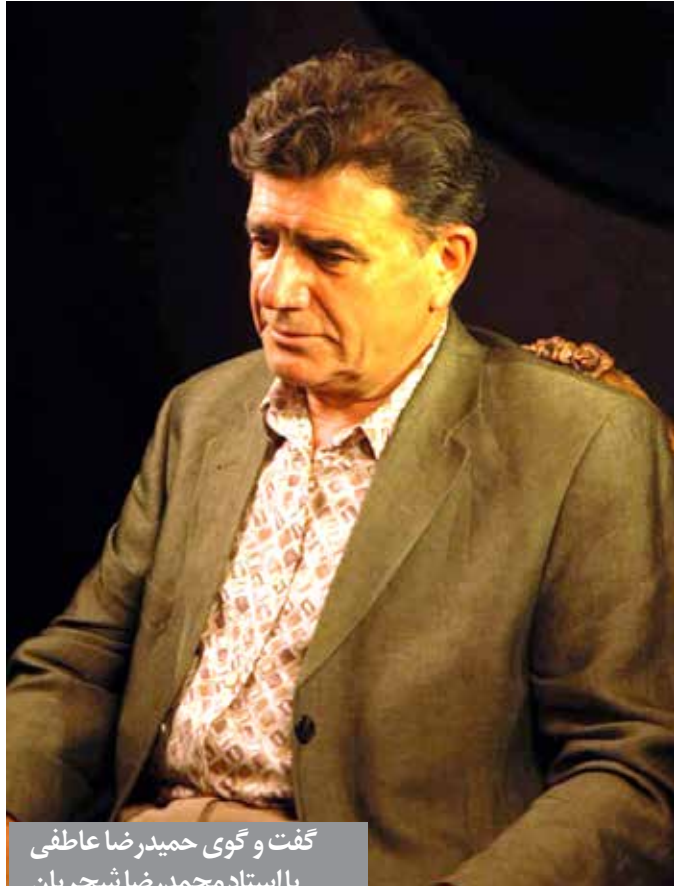
«به سکوت سرد زمان، به خزان زرد زمان، نه زمان را درد کسی، نه کسی را درد زمان، بهار مردمی ها طی شد، زمان مهربانی طی شد، آه از این دم سردی ها خدایا» (جواد آذر)

گفتن و نوشتن در باره محمدرضا شجریان چون وصف خورشید کاری عبث و بیهوده است؛ او نه فقط خواننده و هنرمندی تمام عیار در آواز و موسیقی، خوشنویسی، مبتکر و مبدع ساز و در واقع مجموعه‌ی مراد در هنر، که پدیده‌ای آسمانی و موهبتی الهی برای فرهنگ ایران و ایرانی به شمار می‌رود. شجریان همان نغمه ساز باغ بی برگی ماست؛ هم او که در این برهوت فرهنگی، خود باغی آباد و پرثمر بوده و همواره منبع امید و جوشش برای اهل هنر! آنقدر بزرگ و لایزال که در این چند دهه هیچ نیروی اهریمنی توان تقابل با او و تخفیف اش را نداشته است....

سترگی و ستواری او چنان است که در پرتو شعاع نورانی اش هر ذره‌ای نمایان می‌شود و شگفتا که برخی دونان و حقیران با هدف دیده شدن و ظهور به هر قیمتی، به نقصان نور در آفتاب پرداختند! و حیرتا از مروت این حضرات که در چندسال اخیر که استاد در چنگال عفریت دهر گرفتار آمده، فرصت را غنیمت شمرده و به خیال خام خویش در لفافه نقد و مقایسه و پیش کشیدن مباحث به اصطلاح تخصصی اما سراسر انحرافی به خودنمایی مشغول شده و با بی دانشی محض عرض اندام می‌کنند تا توری برای مقاصد سخیف خود بیفکنند! زهی تاسف و تائر و دردا و دریغا از این همه نابخردی!

گفت و گوی حاضر حاصل چندین نشست و جلسه دوستانه و صمیمی با استاد شجریان بین سالهای ۹۳ الی ۹۴ است؛ در واقع آخرین ملاقات ما به چند روز قبل از سفر استاد به آمریکا و انتشار خبر بیماری شان در نوروز ۹۵ باز می‌گردد.... بعد از آن سفر، دیگر استاد در هیچ مصاحبه و گفت و شنیدی حضور پیدا نکرد و به عبارتی این گفت و گو آخرین مصاحبه استاد قبل از بیماری شان محسوب و به مناسبت هشتادمین سال تولد ایشان منتشر می‌شود.

مباحث مطرح شده در این مقال، گزیده‌ای از ساعت‌ها همصحبتی با این استاد بی‌بدیل موسیقی و آواز ایران است.... با آرزوی سلامتی و بهبودی برای این اسطوره تاثیرگذار تاریخ فرهنگ و هنر ملی ایران.



گفت و گوی حمیدرضا عاطفی  
با استاد محمدرضا شجریان

## مردم تصمیم می‌گیرند چه فرهنگی را بپذیرند

\* با توجه به اینکه خوشنویسی یکی از رشته‌های هنری است که شما تا مقطع بالایی آن را دنبال کردید و یکی از علاقمندی‌های اصلی شما محسوب می‌شود می‌خواستم ببینم از نظر شما ارتباطی بین آواز و خوشنویسی می‌بینید؟ هر هنری برای خودش شرایط و راه و رسم دارد. در خوشنویسی نستعلیق، در یک مصرع از شعر بیشتر از دو کشش نباید وجود داشته باشد، وگرنه کرسی خط بهم می‌ریزد و بدنما می‌شود. در آواز هم به همین شکل است. هنگام آواز اگر بخواهید معانی شعر و واژه‌های یک مصرع را بیان کنید بیشتر از دو کشش واقع نمی‌شود در غیر این صورت زیبا نخواهد شد. از این جهت این دو هنر به هم شباهت دارند. انعطاف ارائه نت‌ها در آواز، مانند همان دوائر خط نستعلیق است، مثل زیبایی «ی» که آن ظرائف در آواز هم هست. بنابراین می‌توان این دو هنر را به هم تشبیه کرد.

\* سبک و شیوه آواز شما نسبت به قدما - مثلا اگر اقبال آذر و طاهر زاده را در نظر بگیریم - اگر نگوئیم تحول اما قطعا تغییراتی پیدا کرده است. برای وضوح بیشتر سوال

می‌خواهم مابه‌ازای آن را در خوشنویسی عرض کنم... مثلا اگر در عرصه خط اوج و قله آن را که میرعماد است در نظر بگیریم سبک‌ها و شیوه‌های جدیدی که در عین حال ریشه در خط قدما دارند پدید آمده است. مثل خط استاد امیرخانی نسبت به خط میر؛ آیا این تشبیه درست است؟ موافق نیستم چون موسیقی فراتر از هر هنر دیگری است. حال و هوا، زمانبندی و خیلی چیزهای خاص خودش را دارد که در خوشنویسی نیست.

\* منظور من تحولات این دو هنر است.

تحولاتش خیلی بیشتر از این حرف هاست. تحولات آوازی که من نسبت به قدما ارائه کردم خیلی تغییراتش بیشتر از خط آقای امیرخانی نسبت به میر عماد است.

\* مایلیم بیشتر در زمینه سلاقی شما در خط بدانم، شخصا

چه نوع شیوه‌ای را می‌پسندید؟

خط استاد امیرخانی واقعا عالی است، خط استادخوین و دیگر اساتید را هم می‌پسندم.

آقایان دارم، می‌خواهم در آنجا کالبد شکافی و طراحی آواز را به آنها درس دهم. تا این دوره را نگذراند نمی‌توانند از خودشان آواز بخوانند. باید با این کلیدی که دارم در خلاقیت آنها را بگشایم.

باید به آنها یاد بدهم که به چه شکل می‌توانند جمله بندی کنند. اساس آواز را به آنها بگویم و تا بعد آن چیزهایی که در یاد دارند به دردشان می‌خورد. آن وقت است که هر چیزی که شنیده‌اند را می‌توانند بسازند در صورتی که با الگوشان فرق داشته باشد.

کالبد شکافی آواز در هیچ جای دنیا سابقه ندارد، چون هیچ جا - مگر در کشور آذربایجان و اطراف ما - مانند ما آوازی ندارند که خلاق باشد و در لحظه خلق شود. تا کنون چنین کلاسی به عنوان دوره عالی آواز یا کالبد شکافی آواز نبوده است.

### \*ادامه این کلاس‌ها چه زمانی خواهد بود؟\*

سفری که پیش رو دارم وقتی تمام شود باید این کلاس‌ها را تشکیل دهم. ۲۰ تا ۳۰ جلسه طول می‌کشد تا این مباحث را کار کنیم. بعد دیگر خودشان باید تولید کننده باشند. آن هم کار هر کسی نیست و زمینه خلاقیت و تیزهوشی می‌خواهد و باید آهنگسازی بکنند.

خواننده آواز باید کار نوازنده، خواننده و آهنگساز را همزمان انجام دهد. باید بتواند به تنهایی یک ساعت روی صحنه برود و آواز را طوری بخواند که کسی متوجه نشود ساز همراه او نیست. بچه‌های ما هنوز متأسفانه به آن مرحله نرسیده‌اند. نه اینکه استعداد نداشته باشند، شاید نخواستند، پشتمکار نداشتند. زندگی من کار روی آهنگسازی و شعر است، تنها ردیف را روایت نکردم.

### \*شما تصمیم ندارید ردیف آواز موسیقی ایران را ضبط کنید؟\*

خیر تصمیم ندارم.

### \*چرا ضرورتی در این زمینه نمی‌بینید؟\*

اگر ردیف را ضبط کنم موسیقی را کوچک کردم. بعد بر سر آن دعوا می‌شود که فلانی یک چیز دیگری را گفت. این ردیفی که می‌بینیم نمونه‌های خوبی است که ملودی‌های معاصر موسیقی ما است و هزاران نمونه از آن را می‌توان ساخت. موسیقی ما دریای بیکرانی است می‌توان در آن چیزهای تازه‌ای آفرید. من هرچه آواز خواندم، نوع جمله بندی‌ها و تحریرها و انتخاب شعرها خودش ردیف است. ردیف برای چیست؟ برای این است که درست آواز بخوانند و دستگاه‌ها را دقیق بشناسند و فرود فرازا را یاد بگیرند. هر کدام از آوازهای من برای کسانی که می‌خواهند ردیف را دنبال کنند درس است.

### \*عده‌ای اعتقاد دارند در سال‌های اخیر سبک‌های آوازی و همچنین رنگ صداها کم شده و اکثراً شبیه به یکدیگر می‌خوانند؛ به عبارتی غیر از شما الگویی برای آواز ندارند... شما چه نظری دارید؟\*

این مساله هم به کسانی که آموزش آواز می‌بینند بستگی دارد. خواننده‌های خوبی که کار تکنیکی داشته باشند و همه آنها را پسندند کم آمده‌اند. یا اگر کسانی وجود داشتند، تدریسی نداشته و شاگرد تربیت نکرده‌اند. الان تصنیف خوان‌های خوبی در بین خواننده‌ها داریم اما به محض اینکه می‌خواهند آواز بخوانند می‌بینیم چیزی در بساط ندارند. آنها باید دوره آواز را ببینند والا ما صداها خوب و رنگ صدای‌های خوب کم نداریم. الان حدود ۱۰ نفر در تصنیف خوانی

### \*به کدام سبک علاقه مندید؟\*

سبک میرزا غلامرضا را خیلی دوست دارم و به نظرم خیلی قَدَر است.

\*اما من به عنوان کسی که سالها خوشنویسی کرده‌ام به شباهت‌ها و ظرایف و دقایق خط با آواز دقت کرده‌ام و به همین سبب، با دیدن برخی خوشنویسی‌ها، آوازها و یا صداهایی برایم تداعی می‌شود و بالعکس... لذا به شخصه آواز شما مرا به فضای خط استاد اخوین می‌برد! آواز من به مراتب پیچیده‌تر از این حرف‌هاست.

\*مقصود من تشبیه به لحاظ برداشت احساسی بود. آن برش‌ها، وصل‌ها، دندانه‌ها، دواپر... خیلی ظریف و حساب شده است و بیان، لحن و متر آواز شما نیز چنین ویژگی‌هایی دارد و احساس مشابهی به مخاطب می‌دهد. کاملاً با خط آشنا هستم، ولی اگر بخواهیم مقایسه بکنیم، موسیقی خیلی پیچیدگی‌های بیشتری دارد.

### \*اما شما در جایی گفته بودید خوشنویسی بسیار سخت‌تر از آواز و موسیقی است. هنوز هم به این حرف اعتقاد دارید؟\*

بله، خوشنویسی از موسیقی سخت‌تر است، ولی سخت‌تر از آواز نیست. در آواز شما باید صدا را از درونتان بیرون بیاورید، این ساز [صدا] را یک سازنده نساخته که خوش صدا باشد. از وجودتان باید صدا را بیرون بیاورید و شب و روز با صدا کار کردن حوصله بسیار زیادی می‌خواهد و از آدم خیلی انرژی می‌گیرد. خوشنویسی آنقدرها انرژی نمی‌گیرد. آواز بسیار سخت‌تر است، باید در کوه و موقع سربالایی بخوانید تا بتوانید از همه هوای ریه برای خواندن استفاده کنید. برای اینکه اگر در جایی دیدید موسیقی نیم دقیقه طول می‌کشد، کم بیاورید. خطاط هرگز اینقدر زحمت نمی‌کشد، خطاطی بخصوص نستعلیق خیلی سخت است ولی مانند آواز زحمت ندارد. در آواز وقتی اوج بخوانید روی تمام سلول‌های بدن فشار می‌آید انگار که بدن می‌خواهد منفرج شود.

### \*در زمینه نوازندگی می‌دانید که نسل جدید از نظر تکنیکی نسبت به قبل خیلی پیشرفته‌تر و تواناتر شده است و در مقایسه با نسل پیشین برتری نسبی دارد اما چرا این ویژگی در زمینه آواز مشهود نیست؛ دلیل این مساله از نظر شما چیست؟\*

چون کار آواز به این راحتی نیست ... مساله اش، خلاقیت و آهنگسازی در لحظه است که هر کسی آن را ندارد. اکثراً ردیف را یاد می‌گیرند و دقیق مثل معلمشان می‌خوانند ولی وقتی خودشان می‌خواهد آواز بخوانند نمی‌توانند، چون آن خلاقیت را ندارند. سال‌ها زمان می‌خواهد که یک خواننده بتواند با شعر خوب برخورد کند و آن را خوب بشناسد، شعر خوب انتخاب کند، ملودی‌ها و تحریرها را هنگام خواندن مناسب انتخاب کند. این‌ها همه از نکات مهم است.

### \*این ضعف در کجاست؟ در آموزش است؟\*

ضعف، هم در آموزش است و هم در خودشان. من دوره‌ای به عنوان دوره عالی برای گروهی از خوانندگان گذاشتم؛ آنها الان خودشان خیلی راحت می‌توانند برای دو سه سال برنامه آواز طراحی کنند و بخوانند. گروه دیگری نزدیک به ۷۵ نفر متشکل از خانم‌ها و

حرف‌های نادرستی بزند مثل اینکه استاد من را به عنوان بهترین شاگرد پذیرفته است. اگر قرار باشد از اسم من برای توجیه و مطرح کردن خودش سو استفاده کند خیلی زود از جامعه تو دهنی می‌خورد.

### ❖ آیا جامعه این تشخیص را خواهد داد؟

تشخیص جامعه در دراز مدت درست است. ولی بعضی از نزدیکان در کار خوانندگی گاهی اوقات حرف‌های عجیب و غریبی می‌زنند که آدم فکر می‌کند این افراد حسادت می‌کنند.

ولی به هر حال در هر کلاسی مثلا در دانشگاه پزشکی هم که بروید دانشجویان از سال دوم همدیگر را دکتر خطاب می‌کنند در حالی که چند سال مانده تا دکتر شوند. در کلاس من هم این افراد زحمت کشیده‌اند و خودشان خوب می‌دانند که چقدر تغییر کرده اند. زمان زیادی را باید صرف کنند تا بخوانند روی پای خودشان بیایند و تولید کننده باشند. تا دوره عالی را تمام نکنند نمی‌توانند تولید کننده باشند. فعلا باید همیشه چیزی را از بر کنند و از این و آن سرهم کنند و بخوانند و اینطور آواز خواندن نمی‌شود.

این افراد در حال حاضر در این اندازه‌ها با همه استعدادی که دارند باز هم استعدادشان از من بیشتر نیست. من می‌دانم که یک جای کار می‌لنگد و هنوز نمی‌توانند روی پای خودشان باشند. وقتی ۳-۴ کار بیرون بدهند کفگیرشان ته دیگ می‌خورد و معلوم است کارشان تمام شده است. پس باید دوره عالی را ببینند، تا من خلاقیتشان را به کار ببندم و ده‌ها نکته در کار آواز را تعلیم دهم، تمرینشان دهم و آوازشان کنم که فکر کنند. بعد از چند سال می‌توانند بگویند خواننده‌ای هستم که تولید کننده‌اند و ده جور برنامه می‌دهند که دوتای آن هم مثل یکدیگر نیست. اما الان هیچکدام در جایگاهی نیستند که ادعا کنند که شاگرد شجریان هستند و به همین دلیل باید همه آنها را قبول کنند. دروغ هم نمی‌گویند، شاگرد شجریان هستند و چهار عکس هم در کنار من گرفته‌اند ولی باید صبر کنند بعد از دوره عالی. همه اینها هم نمی‌توانند دوره عالی را ببینند.

در دوره عالی خلاقیت اینها را به کار می‌اندازم که تولید کننده باشند یعنی طراحی و آهنگسازی انجام دهند. یک خواننده آواز باید در این حد باشد. برخی از بچه‌های ما ادعاهای خیلی بی ربط می‌کنند که هنوز در آن جایگاه نیستند.

### ❖ آینده آواز کمی مهم بنظر می‌رسد ولی شما قبلا گفته

بودید جای نگرانی نیست.

جای نگرانی از این نظر نیست که نمونه خوب آواز در دستشان هست مگر اینکه جامعه آواز را نخواهد. مگر اینکه جامعه نخواهد با شعر حافظ، سعدی و مولانا ارتباط داشته باشد چون ما باید زبان همین شاعران را با آواز بیان کنیم. البته شعر نو هم آمده و آن جای خود... با آن هم می‌شود کارهایی ارائه کرد.

تکنولوژی و عوض شدن زندگی مردم، بسیار در موسیقی و نوع آهنگ‌ها تاثیر دارد. مثلا اگر بخواهیم در امریکا آواز ایرانی بخوانیم نمی‌توان این کار را به کیفیت اینجا انجام داد. چون شرایط آنجا طوری است که به درد آواز ایرانی نمی‌خورد باید در همین مملکت باشیم و کمبودها و مشکلات را ببینیم تا آواز حس و حال مخصوص خود را داشته باشد. این آواز زائیده فرهنگ همین جغرافیاست. اگر فرهنگ جغرافیا عوض شود یقین بدانید که نوع آوازها هم کم کم بدون اینکه

هستند که خوب هم می‌خوانند و فقط شاگرد من هم نبوده‌اند. اما اگر کسی بخواهد آواز بخواند حسابش چیز دیگری است. در باره آواز و الگو آن در زمان جدید کسی را نداریم ولی از قدیمی‌ها هستند.

### ❖ نظر تان از تقلید گسترده‌ای که از صدای شما می‌کنند

چیست؟

یک بحث هنگام آموزش است که هنرجو را وادار می‌کنیم تقلید کند مثلا اگر در نقاشی معلم یک دست می‌کشد و می‌گوید عین آن را باید بکشید، دیگر در اینجا نباید هنرجو پا را بکشد! وقتی من به هنرجو درس می‌دهم می‌گویم عین این را باید بتوانی بخوانی. اگر اینقدر گیرایی نداشته باشد که تقلید کند، نمی‌تواند موفق باشد. خواننده باید خیلی سریع یاد بگیرد به همین دلیل من اول قوه دریافت و تقلید را بالا می‌برم که هنرجو بتواند با صدایش هر کاری که می‌خواهد انجام دهد. این را که گفتم مرحله اولیه است.

در مرحله بعد باید سبک دیگران و شیوه‌های مختلف را کار کند. خودم هم از همین راه رفتم و همه شیوه‌ها را کار کردم. بعضی‌ها را تمام آوازها و بعضی را چند آواز کار کردم و شیوه‌شان را شناختم از مجموع اینها در من یک «شجریان» درست شد. اینها هم باید همین کار را بکنند و در حیطه یک خواننده گیر نیافتند. فکر نکنند اگر با شجریان کار کردند نباید نزد کس دیگری کار کنند، این اشتباه است. باید سبک‌های دیگران را با دقت گوش کنند و فرا بگیرند، همینطور ساز گوش کنند تا جمله بندی یاد بگیرند، شعر بخوانند و... یعنی باید زندگی کنند و با آواز معاشره کنند تا بعد از چند سال اتفاقی بیافتد. اگر فکر کنیم بعد از ۵-۴ سال یک‌دفعه نابغی در آواز پدید بیاید اصلا چنین چیزی درست نیست. می‌تواند صدای خوب با تحریر خوب داشته باشند اما فقط یک صدا دارند و طراحی آواز نمی‌توانند انجام دهند. الان صداهای بسیار خوبی هستند اما نمی‌توانند طراحی ساده‌ای کنند. ما می‌خواهیم یک مجموعه در بیاوریم که همه چیز را کامل داشته باشد.

### ❖ آیا کار گاه شما به دنبال همان مجموعه است؟

بله؛ وقتی اینها تمام شده، هنرجو دوره‌های متعددی پیش رو دارد، باید جامعه شناسی بدانند، با ادبیات آشنا باشد تا بیاورد که شعر را در کجا بخواند و همینطور خیلی چیزهایی که خواننده آواز به آن نیاز دارد. خواننده تصنیف به این‌ها نیاز ندارد فقط باید ریتم را بشناسد و تکنیکی داشته باشد و نیازی به معلومات آنچنانی نیست.

### ❖ در مورد بحث کار گاه آوازی حضرت عالی نکته‌ای مورد

سوال است. امروزه بسیاری از افرادی که در کار گاه شما

حاضر می‌شوند خود را «شاگرد استاد شجریان» می‌دانند در حالی که مفهوم «شاگرد استادی» در هنر چیز دیگری است و کسی که سالهای متمادی از محضر یک استاد بهره برده می‌تواند خود را شاگرد بنامد. همین مساله باعث می‌شود اگر این شاگردان کار گاه آواز کاری انجام می‌دهند اینطور تصور شود که مورد تایید شماست. لطفا نظر خودتان را در این مورد بفرمایید.

شاید این شاگرد حق دارد خودش را شاگرد من بداند! دروغ هم نگفته است. اما وقتی خودش را شاگرد من معرفی می‌کند باید از عهده اش هم بر بیاید و نشان دهد که در آواز چه کار می‌کند. باید خودش را یک طوری توجیه کند و بگوید در ابتدا شاگرد من بوده. نه اینکه





در مورد آواز باید بیشتر روی بداهه خوانی اش کار کنم. وقتی تصمیم بگیرد بخواند کارش را می کند اما هر چه در کار هنر بیشتر کار کند بیشتر به دردش می خورد. جا دارد همایون بیشتر کار کند.

**\* آیا می توانیم بگوئیم همایون ادامه طبیعی مسیر شماست؟**  
بگذاریم راه خودش را برود تا ببینیم تا کجا می رود.  
**\* خیلی ها دوست دارند بدانند شما ایشان را تایید می کنید؟**  
فعلا همایون را گذاشتم به عهده خودش تا تصمیم بگیرد. هیچ کاری به کارش ندارم. خودش تصمیم می گیرد.

**\* ممکن است راهنمایی نیاز باشد؟**  
اگر بخواهد من راهنمایی می کنم فعلا آزادش گذاشتم تا خودش تصمیم بگیرد. به هر حال او خوانندگی خوب بلد است ولی اینکه آواز را چقدر دنبال کند بستگی به علاقه اش به آواز دارد در حالی که شرایطش را دارد.

**\* کسانی هستند که طبیعتاً و بطور ذاتی و خدادادی صدای خوبی دارند چقدر این مساله دارای ارزش است؟**  
صدای یک وسیله فیزیکی اولیه است که در آواز باید وجود داشته باشد ولی باید تربیت شود. تا تربیت نشود راه به جایی نمی برد.  
**\* شما در مراسم بزرگداشت آقای خواجه امیری (ایرج) درباره ایشان صحبت کردید و نظری دادید.**

در مورد صدا و چهچهها نظر دادم. ببینید موارد مختلفی در کار خوانندگی وجود دارد. « هزار نکته در این کار و بار دلدار است » و من فقط دو نکته ان را گفتم، سعی هم کردم این دو نکته درست را بگویم.  
**\* این صدا و چهچهه اکتسابی است؟**

هم ذاتی است و هم بخشی از آن تمرینی و بدست آوردنی است. باید تارهای صوتی مناسب هم داشت. اینکه چه چیزی ارائه می کند و دیدگاه اش چیست، یک بحث دیگر است. من در آن مراسم در مورد دو اصل مهمی که وجود دارد و مشهود است صحبت کردم.

**\* این دو نکته چقدر ارزشمند است؟**  
خیلی ارزش دارد و باعث می شود همه را به طرف خودش می کشد. اگر آن دو نکته [صدا و چهچهه ها] وجود نداشته باشد نباشد کسی دیگر به بقیه آواز گوش نمی کند. آن دو نکته باید باشد بعد باید ببینیم با آن دو چه چیزی می خواهیم بیان کنیم که آن نکته ای دیگر

متوجه شویم عوض می شود.

**\* شما به اقتضای این اتفاقات در آن طرف مرزها هماهنگ می شوید؟**

نه من کار خودم را می کنم و پیام اینجا را به آن طرف می بریم.  
**\* واکنش آنها چیست؟**

به هر حال تعداد کم است. به اندازه موسیقی پاپ نیست. البته من فرق دارم و سالن هایم پر می شود ولی خیلی ها اینطور نیستند.

**\* شما تا چه حد به شناس اعتقاد دارید؟ یعنی اگر خواننده ای بخواهد در آینده یا جای پای شما بگذارد آیا باید شناس هم داشته باشد؟**

خیر. با شناس که نمی شود. شناس تنها مربوط به بلیت بخت آزمایی است.

**\* اینها که دوره عالی را می بینند که همه نمی توانند به شما برسند. در این سالها و چند دهه دیدیم که کسی به شما هم نزدیک نشده است.**

باید بروند تلاش کنند و خودشان را برسانند. این شناس نیست. اگر به من نزدیک نشده اند برای این است که کار نکرده اند. آنطور که در حد دوره عالی باشد کار نکرده اند.

**\* برای همایون، فرزندان این مساله فرق دارد. برخی این برداشت را دارند که شما آن چیزهایی که به همایون آموزش دادید به دیگران نگفته اید.**

من وظیفه ندارم جوابگوی هر کسی باشم.  
**\* آیا همایون در حال حاضر از نظر آواز و طراحی آن به شما متکی است؟**

همایون از روزی که خوانندگی را شروع کرد روی پای خودش بود. تمام کارهایش را خودش انجام می دهد و از من هیچ کمکی نمی گیرد. از روز اول هم من گفتم خودت کارت را بکن هر جا نیاز داشتی نظری می دهم اما در نهایت بگذار کار برود در جامعه و نقد شود.

**\* اما به هر حال تعلیم که داده اید؟**

بله؛ البته که تعلیم دیده و از ۱۰-۱۲ سالگی تعلیم آواز همایون شروع شد و با او تکنیک آواز کار کردم. صدا سازی را با همایون تجربه کردم که خیلی هم جواب داد و الان مثل تکنیک من می خواند. خیلی از بچه های گروه من هم به همین تکنیک می خوانند.

**\* شاگردی همسطح همایون دارید؟**

هیچ دو نفری را با هم مقایسه نمی کنم. البته تکنیک های خوبی در آنها هست اما خوانندگی تیزهوشی و یک اعتماد به نفسی می خواهد که باید آن را داشته باشند تا بتوانند از چیزی که دارند استفاده درست کنند.

من نمی خواهم به عنوان پدر از همایون تعریف کنم ولی الحق چون تیز هوش است می تواند خودش را بخصوص در صحنه خوب ارائه کند. هنوز این بچه ها نمی توانند در صحنه خوب کار کنند، هر وقت توانستند این کار را بکنند آن وقت می توان آنها را با همایون مقایسه کرد.

**\* شما همایون را نقد هم می کنید؟**

اگر لازم باشد گاهی اوقات نقدش می کنم. مثلاً می گویم اگر خواسته باشد با یک فرد دائم کار کند خیلی یکنواخت می شود. گاهی صحبت هایی با هم داریم.

**\* در مورد آواز اش چطور؟**

می آید و خیلی ها هم که از ضرر آن بی خبرند خوشحال می شوند که ۲۰ ساعت از کارهای فلان هنرمند را با ۵ هزار تومان خریده اند. این مساله بزرگترین لطمه را به هنرمندان و تولید کنندگان می زند.

وقتی تولید کننده نتواند هزینه های خود را تامین کند به هنرمند نمی تواند دستمزد دهد. وقتی هم دستمزد هنرمند کفاف زندگی اش را ندهد دیگر هنر را رها می کند. جامعه باید حواس اش به این مساله باشد. خودم هم دارم این مسائل را حس می کنم. من ۵ سال است، از سال ۸۷ تا الان یک ریال از بابت کنسرت و آلبوم در این مملکت در آمد نداشته ام. حالا من تاجایی می توانم خودم را اداره کنم اما خطر این مسائل وجود دارد ولی یک جوان تازه کار نمی تواند خود را اداره کند.

**\*شنیده ها حاکی ست پیشنهاد و توافق اولیه ای بوجود آمده تا برای صد نفر مجوز برداشته شود. قبلا این تعداد ۶۰ نفر بود ولی الان اسامی به صد نفر رسیده است.**

امیدوارم اینقدر متحول شده باشند. اگر به نظر من باشد باید به همه افراد مجوز داد. این جامعه است که سبک و سنگین می کند و حق انتخاب دارد. مگر این آقایان که در این مملکت مدیر شده اند از سرزمین و سیاره دیگری آمده اند؟ اینها هم از همین جامعه بیرون آمدند. چطور شد که اینها می فهمند ولی مردم نمی فهمند؟ چرا اینها خودشان را تافته جدا بافته از مردم و عاقل تر از مردم می دانند؟ این مردم هستند که باید تصمیم بگیرند فرهنگی را بپذیرند یا نه. خانواده ها خودشان بلدند چه کار کنند.

**\*یک توجیه که در ممیزی وجود دارد این است که هر اثری منتشر می شود یک غذای روحی است و ممکن است این غذا مسموم باشد. پس باید جلوی ورود غذای مسموم به جامعه گرفته شود. نظر شما چیست؟**

باید به آنها بگویم به شما ربطی ندارد که غذا مسموم باشد، شاید یک نفر بخواهد غذای مسموم بخورد و خودش را بکشد. اما همه که این کار را نمی کنند. حالا اینکه مگر توانسته اند جلوی غذای مسموم را بگیرند؟ موسیقی زیر زمینی از کجا در آمده؟ چون نگذاشتند مردم کارشان را بکنند و جلوگیری کردند موسیقی زیر زمینی بیرون آمده و جلویش را هم نمی توانند بگیرند. امروز دنیا دنیای دیگری است.

**\*شما قائل به هنر سیاسی هستید؟**

سیاست به تمام ارکان زندگی اجتماعی مردم تجاوز کرده است. در ایران همه چیز را سیاسی کرده اند. حتی اگر در دکان نانوايي به وضعیت آرد هم اعتراضی بشود می گویند کار سیاسی شده انجام است. حتی ربنه، یک دعا را سیاسی کردند. این سیاست است که به حق و حقوق هنرمندان تجاوز کرده است و گرنه هنرمندان کاری به سیاست ندارند.

**\*یعنی هنرمندان خودشان دوست ندارند وارد سیاست شوند؟**

ایده، سیاست است که به هنرمندان کار دارد و جلوی کارشان را می گیرد.

**\*چکار باید کرد؟**

من دیگر درباره آن حرف نمی زنم. مردم باید در این باره تصمیم بگیرند چه کار می کنند. یا آن کسانی که حق ندارند در کار مردم دخالت کنند باید بفهمند که نباید سیاست را وارد همه ارکان زندگی مردم کنند. در آخر هم خودشان خسته می شوند و هم مردم را از کار و زندگی

است. اینکه چه چیزی ارائه می کنید، عطر صدا چگونه است، شخصیت چگونه است، مسائلی جدا از تکنیک تحریر و چهچهه است. من درباره دو بخشی صحبت کردم که همه به آن اذعان دارند.

**\*اینکه شما را به کجا می برد؟**

آن یک بحث دیگر است. اینکه بگویم صدا و تکنیک در خدمت چه چیزی است، آن هدف چیز دیگر است. برخی اینطور می گویند که وقتی آن صدای بسیار خوب و ارزنده در خدمت یک چیز درست و حسابی نیست، ارزش ندارد. شاید هم حرفشان درست باشد و از نظر خیلی ها آن صدا مانند اندام بسیار زیبا که در خدمت چیز خوب نباشد می گویند ارزش ندارد. این بحث از نظر فرهنگی است. ولی به هر حال اگر هم این نکات باشد و نکات دیگر هم باشد تاثیر آواز خیلی زیاد می شود.

**\*اگر این مساله تشریح شود خیلی ها جواب سوالشان را می گیرند.**

نه! متوجه می شوند. وقتی در مورد جنس صدا و تکنیک و چهچهه صحبت می کنم همه می دانند من آن را درست می گویم. برخی دوست ندارند و برخی هم دوست دارند که آن انتخاب جامعه و فرهنگ است که چه چیزی دوست دارد.

مگر توانسته اند جلوی غذای مسموم را بگیرند؟ موسیقی زیر زمینی از کجا در آمده؟ چون نگذاشتند مردم کارشان را بکنند و جلوگیری کردند موسیقی زیر زمینی بیرون آمده و جلویش را هم نمی توانند بگیرند. امروز دنیا دنیای دیگری ست

من در کار و زندگی ام سعی کردم که همه اینها در خدمت هدف خیلی بالا باشد و جامعیت را در نظر گرفته ام و دنیای دیگری برای خودم داشتم و آن را دنبال کردم. ولی وقتی از من می خواهند درباره یک شخص صحبت کنم به دنبال کاستی ها و عیب آدمها نمی گردم. نکات خوب و مثبت اش را در نظر می گیرم و آنها را بیان می کنم.

برای خیلی ها سنگین بود که فلانی چنین حرفی را زد. این وظیفه من بود که این نکات مثبت را بگویم. منتهی این مردم با هوش هستند که تا کجایش را ما گفته ایم. افکار بسته طور دیگری فکر می کنند. انسان باید فکرش را باز کند و همه جوانب را در نظر بگیرد و هر چیزی را سر جای خودش در باره اش صحبت کند.

**\*شما همیشه برای آینده موسیقی خوشبین بودید.**

نسبت به دیدگاه جامعه به موسیقی خوشبین هستم. مشکلاتی را الان دولت و حتی تکنولوژی ایجاد کرده است. مثلا امروز mp3 که همه آثار را به یغما می برد و هیچ چیز برای تهیه کننده ها و هنرمندان باقی نمی گذارد. این یک خطر است که هنر موسیقی را تهدید می کند چون از نظر مالی تامین نمی شود.

**\*چه راهکاری وجود دارد؟**

مردم باید این مسائل را مورد توجه قرار دهند. امروز بسیاری از شرکت های تولید کننده سی دی تعطیل شده اند. یک mp3 به بازار

کشور کنسرت دادم و سازها خیلی خوب روی صحنه خودشان را نشان دادند و هر کس شنیده بسیار لذت برده است.

البته جلوه کردن ساز به توانایی نوازنده بستگی دارد چون ساز را نوازنده معرفی می کند نه سازنده آن. من سالها نیاز به این صداها را تجربه و حس کردم و بعد به ساز سازی پرداختم که کاری بسیار وقت گیر و هزینه بر است و در کل کار سختی است. ساز وقتی از کارگاه بیرون می آید و می خواهیم به صدایش بیاوریم باید کلی وقت صرف کنیم تا به آن صدایی که می خواهیم برسیم.

خوشبختانه این سازها تا اینجا خیلی خوب خودشان را نشان دادند. از این ۱۶-۱۵ سازی که طراحی کردم و ساختم، بعضی هایش فقط یک نوع دارند و هنوز ادامه ندادم. بعضی هم هر کدام ۴-۵ نوع دارند که در ارکسترهای مختلف استفاده می کنم. نوازندگان خارجی وقتی با این سازها برخورد می کنند و با آنها می نوازند خیلی از آنها خوششان می آید. نوازندگانی از آمریکا، کانادا، اروپا و روسیه در گروه ما بودند که خیلی این سازها را دوست داشتند و وقتی سازها را از آنها گرفتم خیلی ناراحت بودند. زمان می خواهد که مردم ایران این سازها را در صحنه ببینند و با آنها آشنا شوند. نوازنده هم باید با این سازها ارتباط برقرار کند و هر سازی که به نوازنده می دهند باید شخصیت آن را درک کند و بداند چه نوع صدایی از آن در بیاورد و چه ملودی هایی با این ساز بهتر نواخته می شود.

بطور مثال اگر یک قطعه برای نی نوشته شده باشد وقتی برای سنتور نوشته می شود تفاوت دارد. هنرمندانی هستند که سازهای دیگر می نوازند و سازهای من را هم می نوازند اما باید با این ساز چند سال زندگی کنند و با فضای آن آشنا شوند. بعد هم در اثر زیاد نواختن و زیاد شنیدن توسط مردم خاطره ایجاد شود. سازهای من در ایران هنوز به جایی نرسیده اند که خاطره ایجاد کنند و من منتظرم این سازها روزی در صحنه باشند و مردم آنها را بشناسند.

**\* آیا معتقدید سازهای شما نوازنده مخصوصی می خواهد؟**  
مثلا در مورد ساز «ساغر» که نوازنده تار می تواند آن را بنوازد؛ نوازنده نباید فکر کند این تار است. بعد از چند وقت می بیند این ساز ملودی های خاص خودش را می خواهد. می توان ملودی های تار را هم با آن نواخت. پس این ساز وقتی لهجه خاصی دارد باید ملودی های خاص خودش را پیدا کرد.

**\* معتقدید از ابتدا این ساز را کسی فرا بگیرد؟**

هم می تواند از ابتدا یاد بگیرد؛ هم اینکه کسی که مثلا سنتور می نوازند می تواند تندر هم بنوازد ولی نباید فکر کند همان سنتور است چون تکنیک و زمانبندی آن فرق دارد و فرم مضراب زدنش کاملا تفاوت دارد. ساز «دل و دل» را مثل ویولن می نوازند ولی ویولن نواز ایرانی خیلی بهتر با آن ارتباط برقرار می کرده و می گوید خیلی ایرانی است. وقتی یک چهارمضرب سه گاه یا ابوعطا می نوازند خیلی آنها را راضی تر می کند تا وقتی با ویولن می نوازند. چون این ساز پوست دارد که شرقی تر است و احساس دیگری به نوازنده دست می دهد.

تمام اینها در صورتی است که با ساز بنوازند تا با ساز آشنا شوند و دوست شوند. با ساز باید معاشقه کرد تا بتوان صدای آن را خوب در بیاورند. پس نوازنده خیلی مهم است که ساز را چطور می نوازد و آن را معرفی می کند. هنوز به علت اینکه من ۶ سال است که در ایران کنسرت نداده ام، مردم ایران هنوز ساز من را درست در صحنه ندیده اند.

می اندازند. همه چیز سیاسی شده، موسیقی، ورزش، کتاب، فرهنگ و ... سیاسی شده است. سیاست و دولت باید در خدمت اینها باشد.

**\* ولی قبول دارید که برخی هنرمندان در خدمت سیاست هستند؟**

خیلی. اینها آدم های بیچاره و بی مایه اند که به دنبال قدرت هستند

**\* پس می توان گفت که هنرمندان باید سیاست را بشناسند ولی سیاسی نباشند؟**

مساله این است که یک بار شما در مبارزه با سیاست هستید و همه چیز را به نفع خودتان و به نفع افکارتان دارید سیاسی می کنید. این کار خوبی نیست. بعد سیاست کاری می کند که مردم را به مبارزه با خودش دعوت می کند. چرا باید سیاست طوری در زندگی مردم دخالت کند که مردم و هنرمند را به دعوا در مقابل خودش بطلبد.

**\* این بینش بالای هنرمند است که موقعیت را بشناسد و بر اساس آن شعر و آهنگ را انتخاب کند و هم گام با مردم باشد.**

یک وقت هست مردم زندگی عادی دارند و شما اگر بیایید حرف سیاسی بزنید می خندند. برای مثال می گویم پیش از انقلاب همه میخانه ها باز بود و هر کس دلش می خواست به آنجا می رفت، اگر کسی می خواند «بود آیا که در میکده ها بگشایند/ گره از کار فرو بسته ما بگشایند» جامعه نمی فهمید منظور چیست.

وقتی سیاست برای مردم باشد حرف دیگری ست یعنی همه کار برای زندگی دادن به مردم انجام می دهد. هنرمند هم چون جزئی از مردم است، از برنامه هایی که سیاست برای مردم و رفاه جامعه دارد بهره مند می شود.

سیاستی که در خدمت یک فکر خاص باشد این همان سیاستی ست که در مقابل آن می ایستند. آنجاست که هنرمند و مردم باید در مقابل سیاست باستند که چگونگی و زمان آن بستگی به شرایط مردم دارد.

**\* یعنی آنجایی که هنرمند تشخیص می دهد کاری به نفع مردم است باید وارد شود؟**

وظیفه دارد حرف مردم را در مقابل سیاست بزند. بعضی از هنرمندها هم حاضر نیستند این کار را انجام دهند.

**\* آیا این عیب هنرمند محسوب می شود؟**

نه عیب نیست می گوید دلم نمی خواهد این کارا بکنم، دوست دارم زندگی خود را داشته باشم. برخی دیگر هم نمی توانند تحمل کنند و می گویند ما می خواهیم حرف مردم را بزنیم.

**\* چند سالی هست که با سازهای ابداعی خودتان کنسرت برگزار می کنید. لطفا یک ارزیابی از سازهای خودتان داشته باشید.**

اگر همین ها را بتوانیم خوب معرفی بکنیم که هنرمندان از این سازها استفاده کنند و مردم بشنوند و خاطرهای برای شان ایجاد کند مفید خواهد بود چرا که سازها را تهیه می کنند و می نوازند و ارتباط برقرار می کنند. البته این زمان می خواهد. طی این ۶-۷ سالی که این سازها را ساختم متاسفانه در ایران به دلیل اینکه ممنوع الکار بودم نتوانستم آنها را به صحنه ببرم. این سازها برای ایرانی ها در داخل ایران ساخته شده ولی هنوز شناخته نشده اند. هر چند با این سازها در خارج از

در مراسم پاسداشت مقام هنری ابراهیم قنبری مهر مطرح شد

## هر کدام از سازهای قنبری مهر یک جواهر است



مراسم پاسداشت مقام هنری ابراهیم قنبری مهر؛ سازساز پیشکسوت و تغییر نام بوستان شقایق به «شقایق مهر» عصر روز گذشته در این بوستان برگزار شد. این مراسم همزمان با تولد ۹۲ سالگی ابراهیم قنبری مهر (استاد ساز سازی) در حالی برگزار شد که به دلیل جلوگیری از شیوع ویروس کرونا علاقمندان بصورت مجازی و آنلاین برنامه را دنبال می‌کردند و جمع محدودی از مسئولان و هنرمندان در آن حضور داشتند.

تمام دغدغه‌ام این بود که مبدا این سازها در خانه دچار مشکل شوند.» شاید در کشور افراد زیادی صاحب‌نام باشند ولی انسانیت و مهربانی ایشان، او را از دیگران متمایز می‌کند.

در بخش دیگری از این مراسم نیز هادی منتظری (نوازنده و مدرس کمانچه) درباره ابراهیم قنبری مهر گفت سال ۵۴ به نزد استاد رفته تا از ایشان سازی بگیرم. قبل از من یک محصل دبیرستانی به نزد ایشان رفت تا سازی بگیرد. استاد به او گفت که «تا یک ماه به پولت دست نمی‌زنم، برو اگر دیدی ساز بد است یا گران است بیا ساز را تحویل بده و من پولت را پس می‌دهم ولی اگر بعد از یک ماه نیامدی مطمئن می‌شوم که با ساز مشکلی نداری.» ولی سازی که ایشان به من دادند، کمانچه‌ای زیبا بود که دراصل لطف کردند و آن را به من کادو دادند. در همان مقطعی که من داشتم برای پول ساز چک ناقابل می‌کشیدم، سه برابر همان پول را فردی به استاد قنبری پیشنهاد کرد ولی استاد نپذیرفت و گفت که فرق شما با منتظری این است که او با این ساز خواهد نواخت ولی شما می‌خواهید این ساز را در ویرترین خانه آویزان کنید و بگویید که ساز قنبری مهر را دارید. روزی که کمانچه را به من دادند گفتند که هیچ منتی بر سرت نمی‌گذارم ولی بدان که زمانی که برای ساخت آن صرف کرده‌ام به اندازه ساخت سه ویولن بود. در این مراسم همچنین سیاوش اکبری (سازساز و از شاگردان قنبری مهر) پشت تریبون قرار گرفت و شعری را برای استادش قرائت کرد. سپس کیوان ساکت (نوازنده تار و سه تار) دقایقی به نوازندگی سه تار پرداخت.

این مراسم با سخنرانی شهردار منطقه دو ادامه پیدا کرد و در پایان مسئولان لوح و هدایایی را به ابراهیم قنبری مهر (سازساز پیشکسوت) اهدا کرده و نام بوستان شقایق به احترام این هنرمند به بوستان «شقایق مهر» تغییر کرد.

در این برنامه حمیدرضا نوربخش (مدیرعامل خانه موسیقی)، محمدجواد حق‌شناس (عضو شورای شهر تهران و رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر)، علی مرادخانی (مدیر موزه موسیقی ایران و مشاور هنری شهردار تهران)، حمیدرضا عاطفی (معاون اجرایی خانه موسیقی)، رسول کشت‌پور (شهردار منطقه دو) و جمعی از هنرمندان حضور داشتند و در ابتدا چند پیام ویدیویی از کامیوز روشن روان (آهنگساز)، سامان احتشامی (نوازنده پیانو)، سیدعباس سجادی (شاعر و معاون فرهنگی شهرداری منطقه ۱) پخش شد.

اجرای این مراسم را فاضل جمشیدی (خواننده) به عهده داشت و در ابتدا با خوشامدگویی به حضار توضیحاتی درباره شکل‌گیری این مراسم ارائه داد. در ادامه محمدجواد حق‌شناس (رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران) گفت: هنرمندان بزرگ ایران سال‌ها حال دل مردم را با سازهای ساخت استاد قنبری مهر شاد کرده‌اند. پیشنهاد نام‌گذاری این پارک را به نام استاد قنبری مهر، سال گذشته دو نهاد خانه موسیقی و موزه موسیقی مطرح کردند که در کمیسیون نام‌گذاری انجام شد و بعد به شورای شهر رفت که در آنجا هم با استقبال روبه‌رو شد. البته تردید زیادی برای اجرای حضوری این مراسم با توجه به شرایط حاضر وجود داشت و در نهایت قرار شد مراسم با حضور ۲۰ نفر برگزار شود.

همچنین علی مرادخانی (مشاور شهردار تهران و مدیر موزه موسیقی ایران) در بخشی از این مراسم پشت تریبون قرار گرفت و گفت: موزه موسیقی میزبان سازهای استاد قنبری مهر است. ایشان سال‌های روی این سازها کار کرده‌اند و هر کدام از سازهای ایشان یک جواهر است. به یاد دارم روزی که از ایشان سازها را تحویل گرفتیم، گفتند که «من امشب راحت می‌خوابم؛ چون

## جلسه مشاوره مالیاتی فعالان حوزه موسیقی برگزار شد



جلسه مشاوره مالیاتی فعالان حوزه موسیقی به همت خانه موسیقی روز گذشته در سالن استادجلیل شهناز خانه هنرمندان برگزار شد.

سوی دولت ارائه شود و امیدواریم به آموزشگاه‌ها هم این کمک ارائه شود که بتوانند به کار خود ادامه دهند.

در این جلسه حمیدرضا نوربخش در خصوص سولاتی که در خصوص بیمه هنرمندان وجود داشت گفت: در روزهای آخر سال گذشته فکر می‌کردیم بحران کرونا تا پایان بهار امسال به پایان می‌رسد و اعلام کردیم که صندوق اعتباری هنر بیمه سه ماهه فصل بهار هنرمندان را پرداخت می‌کند و موافقت وزیر فرهنگ و ارشاد را هم توانستیم برای این مساله جلب کنیم.

وی افزود: با تجربه‌هایی که در خصوص قطع بیمه هنرمندان وجود داشت وقتی دیدیم هنوز این مساله محقق نشده از دوستان خواستیم فیش‌های سه ماهه بیمه را دریافت کنند تا بیمه آنها تا پایان خردادماه برقرار باشد و بعدا توسط دولت پرداخت شود. بعد از اینکه ساز و کار پرداخت بیمه مشخص شد به ما اعلام کردند فیش‌های دریافتی قابل ابطال نیست و باید توسط خود هنرمندان پرداخت شود و مبلغ بعدا به حسابی که در سامانه صندوق اعتباری هنر اعلام شده واریز خواهد شد.

نوربخش در پایان گفت: در آن زمان درست‌ترین کاری که به فکر ما برای جلوگیری از ابطال بیمه هنرمندان می‌رسید همین بود و هدف ما هم پرداخت حق بیمه از سوی صندوق بود و هیچ خلف وعده‌ای وجود نداشت. در جلسات جداگانه‌ای که با آقایان جهانگیری و نوبخت هم داشتیم به ما قول حتمی دادند که هم حق بیمه و هم مساله وام کم بهره کمک به هنرمندان پرداخت شود که امیدواریم این وعده‌ها محقق شود.

در ادامه با حضور منوچهر فیروزی، غلامرضا رضایی (از آموزشگاه داران موسیقی) و کارشناسان مالیاتی این جلسه با توضیحات کارشناسان مالیاتی ادامه پیدا کرد و در پایان هم به پرسش و پاسخ حضار در خصوص مسائل مالیاتی، تکمیل اظهار نامه‌ها و ... اختصاص داشت.

در ابتدای این جلسه که با حضور جمعی از فعالان حوزه موسیقی و با رعایت فاصله گذاری اجتماعی برگزار شد، حمیدرضا نوربخش (مدیرعامل خانه موسیقی) ضمن خوشامدگویی به حضار در خصوص ضرورت برگزاری این جلسه به دلیل مشکلات مالیاتی هنرمندان موسیقی بخصوص صاحبان آموزشگاه‌های موسیقی صحبت‌هایی ارائه کرد و گفت: از دغدغه‌هایی صاحبان آموزشگاه‌های موسیقی با خبر هستیم و امیدوارم این مشکلات را در کنار هم و با همکاری هم حل کنیم.

وی افزود: تجربه‌هایی در خانه سینما وجود دارد و دوستان کارشناس مالیاتی ایامی در آنجا مستقر هستند و خوشبختانه توانسته‌اند کمک و مشاوره‌های خوبی به اهالی سینما ارائه دهند. ما از این دوستان درخواست کردیم به جمع ما بیایند و با توجه به اشراف شان به مسائل مالیاتی و همچنین حوزه فرهنگ و هنر حلقه وصلی میان این دو حوزه باشند. این جلسات انشالله روندی پیدا خواهد کرد تا مشکلات مالیاتی برطرف شود.

نوربخش گفت: بسیاری از صاحبان آموزشگاه به دلیل قانون معافیت مالیاتی فرهنگ و هنر، تا چند سال پیش نمی‌دانستند باید اظهار نامه مالیاتی پر کنند. اما حالا که اظهار نامه مالیاتی ارائه می‌شود مشکلات ریز و درشتی وجود دارد و همچنین نگاه ممیزهای مالیاتی نیز در این حوزه متفاوت است.

مدیرعامل خانه موسیقی افزود: این جلسه سر آغاز اتفاق مبارکی است که بتواند از مشکلات حوزه مالیاتی فعالان موسیقی کم کند.

در ادامه جلسه منوچهر فیروزی یکی از صاحبان آموزشگاه‌های موسیقی گفت: مشکل عمده آموزشگاه داران موسیقی مساله مالیاتی است که در سال‌های اخیر با آن مواجه شده ایم. در ماه‌های اخیر هم مشکل بیمه هنرمندان وجود داشت که امیدواریم جناب نوربخش در این مورد هم صحبت کنند. مساله دیگر هم به دلیل شیوع کرونا که قرار است کمکی به هنرمندان موسیقی از

## صدا و سکوت – استاد و شاگرد



مدرسی که دارای فضایل اخلاقی است و بن مایه موسیقی را خوب می‌شناسد به طبع شایسته و بایسته مفاهیم را انتقال خواهد داد و این هنرجو است که ضمن درک صحیح از پیرامون و احساسات اش، نوای زیبای موسیقی را خوب شناخته و بنا به آموزه‌ها خود را با کائنات منطبق می‌نماید، این انطباق روح را جلا داده و پاکی روح، عدالت را به همراه خواهد داشت. شاگردی که جان و دل در گرو موسیقی متعالی دارد، چراغی است فروزان برای آینده و روشنگر این نور حقیقت استاد است، استاد .....

\*شهاب الدین علیا

فرهنگ و هنر نیاز ضروری جوامع بشری است و برای داشتن جامعه‌ای امن، پاک و منسجم می‌بایست به هنری آراسته باشیم چه خوش باشد فراگیری هنر والای موسیقی و خوشتر؛ مدرسی داشته باشیم اخلاق مدار، منضبط، توانا، جسور، صبور، آشنا به زمانه و دارای وجدان کاری، چنین استادی می‌تواند در تعلیم و تربیت هنرآموز و اعتلای فرهنگ و هنر جامعه نقشی بسزا ایفا نماید.

تعلیم و فراگیری موسیقی زمانی لذت بخش است که همانند شنیدن آواها و نواها دارای تنوری و هارمونی باشد و حلاوت اش روح و جان را احاطه نماید.

ریزی و آموزش هنری، اداره کل فرهنگ و ارشاد استان‌ها و ... صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

در همین راستا بر آن شدیم تا نظر برخی از استادانی که در ماه‌های اخیر در آزمون صلاحیت تدریس با خانه موسیقی همکاری بودند را جویا شویم. با این توضیح که در شماره‌های بعدی فصلنامه از نظر دیگر اساتیدی که مجال صحبت با آنان فراهم نشد نیز استفاده خواهیم کرد.

### ميلاد کيایی

#### ساز سنتور و موسیقی ایرانی

از دیرباز در مورد هرگونه هنر (فرهنگ و هنر) گفته شده است، یعنی در واقع فرهنگ مقدم بر هریک از رشته‌های هنری بوده و همچنان خواهد بود. امروزه در بخش موسیقی هنرمندانی را داریم که بسیار خوب هستند و بخصوص در نسل‌های جوان استعداد‌های فوق‌العاده‌ای را می‌بینیم. اما برخی از آنها متأسفانه در بخش اخلاقی و فرهنگی که باید در اولویت قرارداشته باشد بضاعت چندانی در



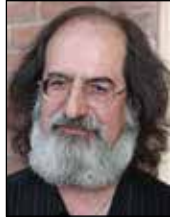
آزمون صلاحیت تدریس از سال گذشته توسط خانه موسیقی ایران برگزار می‌شود. بهره‌گیری از چندین استاد مجرب که سال‌ها نه تنها در حوزه اجرا که در حوزه تدریس موسیقی فعالیت داشته و با زوایای مختلف امر تدریس موسیقی به عنوان یکی از پیچیده‌ترین فعالیت‌های موسیقی آشنا هستند، منجر پربار شدن این آزمون‌ها شده است. به گفته مسئول واحد آزمون صلاحیت تدریس خانه موسیقی تاکنون بیش از ۲۰ جلسه از این آزمون‌ها در خانه موسیقی برگزار شده و همچنان ادامه دارد که حدود ۵۷۰ نفر از تهران و شهرستان‌های مختلف مورد آزمون قرار گرفتند. همزمان با شیوع ویروس کرونا این آزمون‌ها بطور مستمر و بصورت آنلاین برگزار می‌گردد تا خللی در امر صدور کارت صلاحیت تدریس خانه موسیقی ایجاد نگردد.

کریمی در این رابطه می‌گوید: واحد آزمون صلاحیت تدریس خانه موسیقی در راستای وظیفه خود همواره از هدایت مدیران محترم و راهنمایی اساتید میرز بهره‌برده و علی‌رغم کاستی‌ها با پشت سر گذاشتن مشکلات موجود خصوصاً بیماری کوئید ۱۹ تلاش نموده تا برای رفاه حال هنرمندان کشور آزمون‌ها را بصورت مجازی برگزار نماید. لازم میدانم از مساعدت و همکاری اساتید محترم ممتحن، همکاران ارجمند، دفتر برنامه

### هادی منتظری

#### ساز کمانچه و موسیقی ایرانی

من با سیستم آنلاین و آزمون‌های اینترنتی به دلایل مختلف مخالف هستم زیرا نفس موسیقی هنری است که باید حتماً چهره در چهره و حضوری انجام بگیرد ولی بخاطر شیوع کرونا امکان آزمون حضوری وجود ندارد و بازدهی آزمون آنلاین هم آنچنان خوب نیست.



در مورد آزمون‌های صلاحیت تدریس باید بگویم که برخی از کسانی که ساز نواختند زیاد خوب نبودند و مشکل عمده مساله تدریس این است که متأسفانه سطح آموزش موسیقی در کل کشور ضعیف است و خانه موسیقی باید همت کند و برای کسانی که می‌خواهند کارت صلاحیت تدریس بگیرند، مستر کلاس‌هایی دایر کند تا هم از نظر تئوری و هم عملی سطح مدرسان ارتقا یابد.

### فرزاد دانشمند

#### ساز گیتار و موسیقی کلاسیک

این که آزمون‌ها با همکاری خانه برگزار می‌گردد کاری بسیار عاقلانه و این یک برخورد حرفه‌ای با قضیه است. نظرم در مورد آزمون‌های آنلاین مساعد است زیرا از شیوع بیماری کرونا می‌کاهد. ولی از کلیه دست‌اندرکاران مخابرات که تصمیم گیرند بسیار گلابه مندم زیرا باتوجه به پول‌های هنگفتی که از ملت مظلوم ما دریافت



می‌دارند آنتن دمی و... در حد بی بضاعت ترین کشورهاست و این باعث می‌گردد که تماس‌ها در آزمون دائماً قطع شود و آزمون دو ساعته به ۵ ساعت بیانجامد.

با کمال تأسف تا کنون سطح مدرسان بسیار پایین بود ولی ناچاراً چون که در این شرایط اقتصادی و تورم مردم در مضیقه‌اند نمی‌توان تمامی این عزیزان را مردود اعلام کرد و سعی می‌شود تا حد امکان همکاری با این مدرسان داشت. من چندین سال پیش طرحی به وزارت ارشاد که البته خودشان از من خواسته بودند دادم مبنی بر اینکه برای این مدرسان کارگاه‌های آموزشی با مبالغی اندک برگزار شود. این تنها کاری است که به نظر من برای ارتقای آموزش موسیقی می‌توان انجام داد.

### پویا سرایی

#### ساز سنتور و موسیقی ایرانی

آزمون‌های خانه موسیقی برای اخذ کارت صلاحیت تدریس اقدامی بسیار مهم و کارساز در جهت ساماندهی به وضعیت تدریس موسیقی در کشور است. به خصوص که موسیقی ایرانی عموماً در گذشته به روش شفاهی و یا سینه به سینه آموزش

آنها نمی‌بینیم. مثلاً اگر ساز را از آنها بگیریم، می‌بینیم که وجود آنها بی‌مقدار است و این اصلاً خوب نیست چون یک هنرمند باید قابلیت‌های فراوان اخلاقی و فرهنگی داشته باشد.

یکی از مهمترین ویژگی‌هایی که هر مدرس و معلم باید داشته باشد همین جنبه‌های اخلاقی، انسانی و فرهنگی است، زیرا یک هنرجو که می‌آید موسیقی یاد بگیرد، فقط ساز زدن را از معلمش یاد نمی‌گیرد و معلم برای او یک الگو و معیاری است. اگر یک معلم بلد نباشد به درستی صحبت کند، طرز بیان، برخورد درست، شان استادی و حتی لباس پوشیدن خوب را نداشته باشد و معلمی در این بخش‌ها کسری‌هایی را داشته باشد نمی‌تواند شاگرد خوبی را تربیت کند. جنایت فقط کشتن انسان‌ها نیست و بلکه اگر مدرس نالایق و ناشایست روح و روان نوجوان هنرآموز را بکشد هم جنایت و خیانت است. زیرا ممکن است آن نوجوان هنرمند بزرگی در تاریخ بشود. برخی از جوانان را می‌دیدم که چند سال است ساز دست گرفته‌اند و کار کرده‌اند اما دیده‌ام کارتی چاپ کردند و روی آن می‌نویسند استاد، و خودشان نام خودشان را استاد می‌گذارند. ظاهراً روزگاری شده است که تعداد استادان از شاگردان بیشتر است!

معلمی یک شغل و حرفه نیست بلکه یک عشق ماورایی و ودیعه الهی است. امیدواریم در این بخش هنرمندانی که انتخاب می‌شوند، توجه بیشتری داشته باشند.

در جلسات صلاحیت مدرسان به نکاتی که گفته شد بسیار توجه کردیم و خوشحالم در این جلساتی که در خدمت عزیزان بودیم توانستیم تعدادی از کسانی که ذوق معلمی داشتند را انتخاب کرده و بقیه هم اگر صلاحیت نداشتند از آنها بخواهیم خودشان را قوی کنند و بعداً آزمون دهند و اگر هم متوسط بودند آنها را مشروط اعلام کردیم تا در یک فرصت دیگر امتحان دهند.

### وارطان ساهاکیان

#### موسیقی کلاسیک و تئوری موسیقی

آزمون‌های صلاحیت تدریس به ما نشان می‌دهد که مسیر آموزش موسیقی چگونه به جلو می‌رود و اینکه چه کسانی با چه متدهایی تدریس موسیقی را انجام می‌دهند. سیستم آموزشگاه‌ها با هنرستان موسیقی بسیار فرق دارد، زیرا والدینی که فرزندشان را به آموزشگاه موسیقی می‌فرستند آنچنان توقع موسیقی علمی مانند هنرستان ندارد البته در برخی از هنرستان‌ها موسیقی علمی دنبال می‌شود ولی برعکس آن هم هست اینکه با کیفیت پایینی فعالیت می‌کنند.



در مورد آزمون‌های صلاحیت تدریس که توسط خانه موسیقی برگزار می‌شود هم باید بگویم طبیعتاً خانه موسیقی از اساتیدی برای صلاحیت مدرسان استفاده می‌کند که در رشته خود متخصص هستند و این آزمون‌ها بسیار دقیق‌تر است. خانه موسیقی در همه شاخه‌های موسیقی متخصصینی دارد که می‌داند در کجا از آنها استفاده کند و قطعاً بهتر است این آزمون‌ها زیر نظر خانه موسیقی برگزار شود.



اصطلاح «چوب خورده» نیستند و برخی دیگر نیازهای اساسی تر یک مدرس مثل: تربیت شنوایی و دیداری را نادیده می‌گیرند. عده‌ای فقط طرفدار قطعه نوازی هستند و قطعه صرفاً ردیف نواز. این تشتت بلاخره باید در جایی تمام شود و شیوه‌ای پیشنهاد شود که در برگیرنده‌ی تمامی نیازهای یک نوازنده یا خواننده باشد. از نت خوانی گرفته یا تربیت شنوایی و حفظ ردیف و ظرایف عالی‌ی موسیقی کلاسیک ایرانی...

امیدوارم آزمون تقریباً نوپای خانه موسیقی بتواند با همسو کردن این روش‌ها و نیز شناخت و تجمیع نیازها و فرصت و تهدیدها، گامی بزرگ برای تدریس موسیقی ایرانی در کشور بردارد.

### فرید الهامی ساز تنبور

با توجه به اوضاع آشفته و نابسامان

کنونی که هر چند پیش از کرونا هم چندان کار و بار آموزش موسیقی در کشور بسامان نبوده اما اکنون نابسامانی‌ها نابسامان‌تر و آشفته‌گی‌ها آشفته‌تر از پیش شده‌اند و اینکه هر دم کارآموزی از گوشه‌یی از این فضای مجازی بی در و پیکر سر برآورده و در ساز و رشته‌ای از موسیقی ادعای استادی دارد و خود را شایسته‌ی آموزگاری می‌بیند و حق آموزش موسیقی را بر خود روا می‌داند و کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کند. به باور بنده این آزمون‌ها توسط خانه موسیقی می‌تواند برای هرچه بهتر شدن سطح موسیقی در بین کارآموزان کمک شایانی باشد به شرط آنکه آموزشگاه‌های موسیقی و واحد نظارت بر کار آموزشگاه‌ها در اجرای این طرح کوشا و همدوش و هدفمند باشند. و برای بسامان کردن این نابسامانی‌ها دغدغه‌مند باشند.

آزمون‌های آنلاین با توجه به شیوع بیماری کرونا شاید تنها راه ممکن برای اجرای این مهم می‌باشد. چون بسیاری از شرکت کنندگان از شهرستانها در این آزمون‌ها شرکت می‌کردند اصلاً آزمون حضوری به صلاح نیست و در ضمن تفاوت چندان هم مابین آزمون حضوری و آنلاین وجود ندارد.



داده می‌شد و در سال‌های جدید علی‌رغم التقاط با شیوه‌های نوین آموزشی، به شکلی روزآمد و استاندارد، اجرا نمی‌شود. به نوعی بسیاری از مدرسین جوان و یا مسن به روشهای شخصی خودشان اعتقاد دارند. روشهایی که بعضاً کاملاً سنتی و یا آمیخته با روش‌های جدیدتر است.

اهمیت این موضوع از سویی دیگر نیز قابل مشاهده است، زمانیکه بدانیم عمده محل کسب درآمد فارغ التحصیلان و دانش آموختگان موسیقی، آموزش موسیقی است. این به معنی این است که فارغ التحصیلان دانشگاه یا هر کسی که سازی را به مقیاسی متوسط فراگرفته در طرح اولین ایده برای کسب درآمد، به فکر تدریس می‌افتد.

به این جهت، بازار آموزش موسیقی در جامعه‌ی امروز پر مخاطب است و وظیفه‌ی مدرسین سنگین‌تر از همیشه. در این شرایط، آزمون‌هایی از این دست که سعی دارند با تکیه به ارزیابی مواردی چون: توانایی مدرسین در دانش ردیفی، مفاهیم تئوریک جهانی و ایرانی، سرایش و دیگر



نیازهای اساسی مدرس موسیقی، قدمی در کیفی‌تر کردن تدریس بردارند، می‌توانند سبب شوند تا مدرسین از شیوه‌های شخصی به سوی شیوه‌هایی استاندارد و جامع در تدریس گام بردارند.

امسال، بخشی از آزمون‌ها به شکل آنلاین صورت گرفت و به دلیل اختلال در شبکه‌های اینترنتی، کیفیت و سرعت آزمون گاه به گاه به شکل نازلی انجام گرفت. به هر حال موضوع، موسیقی است؛ در نظر بگیرید، چگونه داوران می‌توانند توانایی حفظ تمپو (سرعت) در اجرای یک مدرس را ارزیابی کنند وقتی که تصویر و صدا با تاخیر و تکه تکه بخش می‌شود؟! اما به هر حال این آزمون‌ها با حوصله و صبر کافی از سوی داوران در حال انجام است.

مدرسین گرامی، آنگونه که در این آزمون‌ها دیدم، به راهکارهای مختلفی قائل اند. وحدت رویه در شیوه‌ی آموزش کنونی موسیقی ایرانی دیده نمی‌شود. بعضی مجذوب و معتقد به شیوه‌ها و کتبی هستند که این آثار شناخته شده نیستند، به





همچنین هنرجویان بهتری از آموزشگاه‌ها بیرون می‌آیند.

### امیریدرام طاهریان ساز گیتار و موسیقی کلاسیک

اینکه آزمون‌ها زیر نظر خانه موسیقی برگزار می‌شود هم از نظر فنی و هم از نظر اعتباری برای مراجعہ کنندگان اتفاق بسیار خوبی است. البته نفس این کار اگر همچنان درست و دقیق اجرا بشود و در ادامه راه به بیراه نرود بسیار خوب و تاثیر گذار است.



در مورد آزمون‌های آنلاین و حضوری باید بگویم انصافاً آزمون آنلاین بصورت خوبی برگزار می‌شود و روند قابل قبولی دارد اما در برخی استان‌ها شرایط اینترنت و یا محل آزمون مناسب نیست که ممکن است در کار وقفه‌ای بیاندازد.

### مهرداد کریم خاوری سازهای کوبه‌ای

اینکه آزمون‌های سنجش سطح علمی و کیفی مدرسان موسیقی و آموزشگاه‌های ایران در خانه موسیقی برگزار می‌شود جای خوشحالی دارد. زیرا خانه موسیقی ایران مرجعی از استادان خیره و مسلم هنر موسیقی ایران است که جایگاه واقعی این استادان با تجربه و علمی بحساب می‌آید.



پس نظارت کیفی و واقعی و بدور از هر گونه مسائل حاشیه‌ای از خانه موسیقی سوی خانه موسیقی اصولی‌تر است. خانه موسیقی مرکزی صرفاً اداری برای انجام یک وظیفه و تکلیف نیست بلکه دغدغه واقعی برای ارتقا آموزش موسیقی در ایران را دارد و به همین دلیل مسائل حاشیه‌ای کمتر دیده خواهد شد.

برگزاری آنلاین آزمون از نظر رعایت پروتکل‌های بهداشتی و جلوگیری از شیوع کرونا و همچنین جلوگیری از هزینه‌هایی

متأسفانه نگرش ژرف و پُر مایه پرداختن به ریشه‌ها در بین هنرآموزان تنبور به سطح بسیار پایینی کاهش یافته و به این دلیل در بین هنرجویان کلاس‌های آنها نیز این دیدگاه سطحی نگری در موسیقی مقامی و ریشه‌ای برای این ساز کهن تاریخ به چشم می‌خورد و نیز با توجه به برخی کاستی‌ها و نادرستی‌ها در کتابهای منتشر شده در زمینه آموزش تنبور در زمینه تئوری موسیقی هم با سطح به نسبت بسیار پایینی روبرو بودیم.

### بهناز ذاکری ساز سنتور و موسیقی ایرانی

بنظر من خانه موسیقی این قابلیت را دارد تا از این آزمون‌ها حمایت کند. زیرا جایگاه فرهنگ و هنر و ارزشنهادن به هنرمندان است و در پیشبرد بهتر آموزشگاه‌ها می‌تواند صاحب‌نظر باشد.



در مورد آزمون‌های آنلاین که به دلیل شیوع کرونا باب شده باشد بگویم با این روش موافق نیستم چون موسیقی را باید با حضور استاد و شاگرد تدریس کرد و در غیر اینصورت کیفیت ندارد و فقط رفع تکلیف است. اگر ناچار باشیم باید بصورت آنلاین کار را ادامه داد ولی با این وضع اینترنت متأسفانه آموزش کیفیت نداشت و دائماً با قطعی صدا و تصویر مواجه بودیم.

در مورد سطح مدرسان موسیقی هم باید بگویم باید حساسیت زیادی بخرج داد زیرا گاهی همین آموزشگاه‌ها هستند که راه نادرست را به هنرجویان نشان می‌دهند و آنها را گمراه می‌کنند. برخی از آموزشگاه‌ها هم برای اینکه هزینه‌های کمتری بپردازند از مدرسان سطح پایین استفاده می‌کنند و همان‌ها کیفیت را پایین می‌آورند. باید برای مدرسان موسیقی سختگیری بشود زیرا من در همین آزمون‌ها دیدم که بسیاری که حتی در چند آموزشگاه هم تدریس می‌کردند فاقد اشکال از نظر تکنیکی، تئوری و اجرای موسیقی نبودند.

اگر سختگیری‌ها برای مدرسان اعمال شود برای ارتقای سطح آموزشگاه‌ها و در نتیجه سطح فرهنگ و هنر ایران بسیار مفید است.

موسیقی)، در دوره‌های تخصصی ویژه‌ی آموزش موسیقی به کودکان نیز شرکت کند.

### پویان آزاده ساز پیانو

آزمون‌های صلاحیت مدرسی می‌تواند تاثیر مستقیمی در ارتقا موسیقی کشورمان داشته باشد و خانه موسیقی محل پیوند هنرمندان موسیقی است و این می‌تواند در کیفیت آموزشی آموزشگاه‌ها نقش داشته باشد.



به علت شیوع کرونا چاره‌ای غیر از استفاده از آزمون‌های آنلاین نیست و فعلا از این روش استفاده می‌شود. اگرچه کند بودن انتقال دیتا در بستر فعلی عمومی اینترنت پاسخگوی کامل آموزش و آزمون‌های موسیقی نیست. با توجه به اینکه در دانشگاه‌های کشورمان تا کنون رشته‌ی پیانو سازی موسیقی وجود نداشته و اکثر متقاضیان به شکل تجربی با آموزش و نحوه انتقال مفاهیم آموزشی آشنایی داشته‌اند، به نظر من متقاضیان از سطح خوبی برخوردار بودند ولی با توجه به ایجاد این رشته دانشگاهی و تربیت مربی موسیقی می‌توان به آینده آموزش موسیقی کشورمان بیش از پیش امیدوار بود.

### زمان خیری ساز نی و موسیقی ایرانی

مهم‌ترین ویژگی برگزاری این آزمون‌ها به این شکل جامع: علیرغم بررسی و انتخاب مدرسین به شیوه درست که مبتنی بر فهم موسیقی، درک ردیف و درنهایت شیوه درست ارائه و تدریس آن دارد؛ در واقع ارتباطی سازنده و پررنگ اهالی هنر با نهاد صنفی مربوطه است؛ نقش سازنده و ملموس خانه موسیقی در پیش برد اهداف بلند مدت موسیقی کشور، حفظ اصالت‌ها و پرورش موسیقیدانان و هنرمندان جای بسی خوشبختی و مباهات دارد.



بیماری کرونا و محدودیت‌های آن، چون دیگر بخش‌ها، برای اهالی موسیقی هم فضای جدیدی را رقم زده و نقصان‌هایی را ایجاد نموده است. چنانچه این آزمون‌ها در فضایی حضوری برگزار می‌شد شاید در نحوه و کیفیت اجرایی هنرمندان تاثیر مثبت تری داشت و همینطور در نحوه گرفتن آزمون از سوی داوران.

سطح مدرسان موسیقی متغیر بود. در برخی دانش موسیقی در سطح اجرای یک برنامه نوازندگی بود، بعضی هم فراتر از یک نوازنده و نزدیک به خواسته‌شان که یک مدرس بود حاضر شده بودند که متأسفانه تعدادشان کم بود. امیدوارم در آزمون‌های بعدی مدرسان با جدی گرفتن مباحث تئوری و درک و فهم و حفظ ردیف با اطمینان و خاطر جمع در جلسه حاضر شوند.

مانند رفت و آمد هم بسیار مفید بود. بهتر است از زیرساخت‌های اینترنتی قوی‌تر برای آزمون‌ها استفاده گردد و همچنین پیشنهاد می‌گردد داوران هراز چند گاهی در مرکز استان‌ها حضور پیدا کرده تا مدرسین شهرستان‌ها حضوری هم پایش شوند.

نکته دیگر اینکه در شهرستان‌ها استادان با تجربه و برجسته کمتر از تهران است و باید از لحاظ تئوری، وزن خوانی، سلفژ، نوازندگی و ... سطح کیفی کار مدرسان ارتقا یابد و خانه موسیقی باید در این زمینه فعالیت‌های جدی تری داشته باشد.

### الهام احمدی موسیقی کودک

آزمون صلاحیت تدریس موسیقی کودک

که با حضور سودابه سالم، الهام احمدی و پرنا شکوهی برگزار شد. الهام احمدی در این باره معتقد است: از آنجا که خانه‌ی موسیقی نهادی تخصصی در عرصه آموزش و تعامل اهالی موسیقی است، برگزاری آزمون‌های صلاحیت مدرسان زیر نظر خانه موسیقی می‌تواند نقطه‌ی عطفی در بالا بردن سطح برگزاری چنین آزمون‌هایی باشد که به سبب آن موجب ارتقاء دانش موسیقایی و روش تدریس مدرسان و نیز الزام آموزشگاه‌های موسیقی به همکاری با مدرسان حرفه‌ای و متخصص شود.



با توجه به شرایط کرونا در جامعه و الزام به رعایت فاصله گذاری اجتماعی، برگزاری آزمون‌ها به صورت آنلاین می‌تواند شیوه‌ای ایمن در روند چنین آزمون‌هایی باشد. اما از آنجا که این روش موضوعی تجربه نشده است با گذشت زمان و بررسی مشکلات آن باید به مدل آزمون مناسبی رسید. این درحالی است که متقاضیان دریافت کارت صلاحیت تدریس نیز هم تراز برگزارکنندگان آزمون فضای جدیدی را تجربه می‌کنند.

با توجه به شیوه‌های نوین آموزش موسیقی کودک در ایران و در سطح بین الملل، متأسفانه اغلب متقاضیان دریافت کارت صلاحیت تدریس از سطح فنی و علمی لازم و کافی برخوردار نبودند. بنابراین لازم است متقاضیان علاوه بر بالا بردن سطح دانش موسیقایی خود (تسلط به نوازندگی یک ساز، سلفژ و تئوری





در حاشیه اعلام شهرستان دالاهو به عنوان شهر ملی ساخت تنبور

## جایگاه مفقود شده کارشناسان در تصمیم‌گیری مدیران

ساز تنبور دارند، مواجه شد. در پی این مخالفت طوماری به امضا فعالان موسیقی شهرهای مذکور به خانه موسیقی جهت توقف ثبت شهر دالاهو به عنوان شهر ملی تنبور ارسال گردید. خانه موسیقی با توجه به خواسته هنرمندان و نوازندگان تنبور زمستان سال گذشته نامه‌ای به استاندار کرمانشاه ارسال کرد و خواهان توقف این تصمیم شد. در بخشی از نامه خانه موسیقی به استانداری کرمانشاه آمده است:

خانه موسیقی ایران در نامه‌ای به وزارت میراث فرهنگی ثبت نام یک شهر به عنوان شهر ملی تنبور را اقدامی غیر کارشناسی و موجب تفرقه هنرمندان منطقه خواند. سال گذشته مسئولان شهری شهرستان دالاهو در صدد ثبت این شهر به نام شهر ملی تنبور در سازمان میراث فرهنگی کشور شدند که این تصمیم با مخالفت نوازندگان برخی شهرهای پیرامون نظیر کرد و صحنه که فعالیت‌های فراوانی در حوزه

شهر ملی تنبور و بی توجهی مسوولان شهری و اداره میراث فرهنگی کرمانشاه به این امر خطیر، ثبت یک شهر به نام شهر تنبور پی آمدها و تبعات بسیار منفی بدنبال خواهد داشت. امید از با توجه به درخواست‌های مکرر هنرمندان موسیقی مناطق مختلف و پژوهشگران فرهنگی در جهت جلوگیری از این اقدام، نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در راستای درخواست‌های مردمی از وزارتخانه، سازمان و ارگان‌های مربوطه بخواهند تا طرح مذکور متوقف گردد.

### \*کرمانشاه به عنوان شهر تنبور انتخاب شود

در همین رابطه در گفتگویی نظر علی اکبر مرادی، نوازنده و مدرس پیشکسوت تنبور را که در جلسه مشورتی در خصوص این اقدام حضور داشت را جویا شدیم:

علی اکبر مرادی، نوازنده و مدرس پیشکسوت تنبور در خصوص نامگذاری شهرستان دالاهو به عنوان شهر تنبور گفت: حدود ۸-۹ ماه پیش این موضوع مطرح شد که من خارج از کشور بودم و به آقای سید جلال الدین حیدری عرض کردم که اگر شهری را به عنوان شهر تنبور انتخاب کنند ممکن است اختلافاتی پیش بیاید و بهتر است کرمانشاه که مرکز استان است به عنوان شهر تنبور انتخاب شود. مرادی افزود: دست اندرکاران و مسئولان کرمانشاه به دلایلی با

«خاستگاه و زادگاه ساز اسطوره‌ای تنبور بدون شک در منطقه غرب و بویژه استان کرمانشاه روایت شده است. ولی اختصاص فقط یک منطقه به عنوان شهر ملی و شناساندن تنبور از طریق فقط یک محل و مکان قطعا نمی تواند به عنوان حرکتی اصیل و فرهنگی محسوب شده و تاثیرات مثبت و ارزشمندی در مسیر اعتلا و ارتقای کیفی فرهنگی در حوزه موسیقی تنبور بر جای گذارد، این اقدام چه بسا موجب نفاق و تفرقه گردیده و خصومت اهالی مناطق مختلف استان را بر انگیزاند و مضرات غیر قابل جبرانی را به استان و مردم شریف این دیار تحمیل نماید. بدیهی است که تهیه هر گونه طرح و برنامه فرهنگی باید با نگاهی اقلی و با بهره مندی از کارشناسان خبره و پژوهشگران مجرب تهیه گردد»

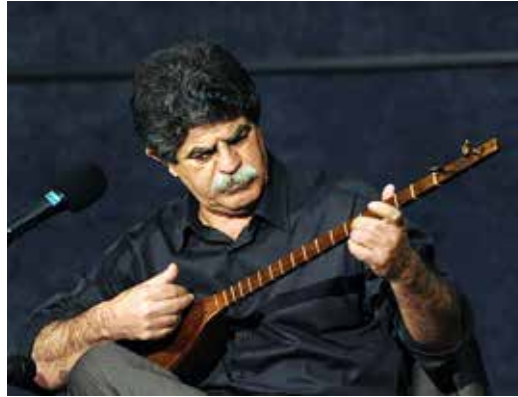
پس از ارسال این نامه ظاهراً روند ثبت شهر دالاهو به عنوان شهر ملی تنبور متوقف شد اما با انتشار خبری تیرماه امسال که مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه از تکمیل پرونده ثبت دالاهو به عنوان شهر ملی تنبور و ارسال آن به وزارت میراث فرهنگی خبر داده بود، خانه موسیقی نامه‌ای را به وزارت میراث فرهنگی کشور ارسال کرد و خواهان جلوگیری از این اتفاق شد. با اصرار فرماندار شهرستان دالاهو به ثبت این شهر به عنوان

از حوزه‌های جغرافیایی تنبور (صحنه و گوران) می‌بایست به ریشه‌های این ساز کهن زهی زخمه‌ای بپردازیم. دستاوردهای باستان‌شناسان بر اساس سنگ نوشته‌ها، مهرها و سفال‌ها و نگاره‌ها، دیرینگی این ساز به هزاره‌های دوم و سوم قبل از میلاد می‌رسد. اما در مناطق زاگرس نشین غرب ایران از حلبچه و هاوار کنونی در اقلیم کردستان تا منطقه هورامان و مناطق لک نشین در استان لرستان این ساز توسط قدما از ۱۰۰۰ سال پیش تا به امروز میراثداری شده است.

این نوازنده تنبور به حوزه تنبور صحنه به اختصار اشاره کرد و افزود: تنبور قبل از آنکه توسط شاه خوشین لرستانی به اشترار و تقدس آیینی برسد، از جانب اربابان فرهنگ و هنر در مناطق مختلف تسکین دهنده‌ی تنهایی‌ها و نامرادی‌های روزگار هم بوده است. اما بر اساس گواهی‌های موجود در تاریخ (الفهرست...) بیشتر در منطقه‌ی پهلویان بالاخص در دینور مورد توجه بوده و می‌توان گفت که دینور (ماه کوفه) علاوه بر اینکه از بار علم و دانش شاخص نجد ایران بوده، بلکه از بار هنری نیز همگام با ادبیات و فرهنگ دارای پایگاه نشر و احیاء نغمات گوسان‌های زمان باربدها نیز بوده است.

این پژوهشگر حوزه تنبور افزود: لازم به ذکر است که دینور دو حاکم نشین داشته؛ یکی حاکم نشین کرمانشاه و دیگر حاکم نشین خود دینور. یعنی حوزه جغرافیایی دینور تا کرمانشاه و حد واسط ماه بصره (نهایند) را شامل می‌شده است؛ و این مرکزیت علم و دانش و هنر بخشی از شهرستان کنونی صحنه است. این منطقه بر اساس اسناد و مدارک باستان‌شناسی همچون استودان شیرین و فرهاد، تپه شیخی آباد... دارای قدمتی مشخص است و همیشه در زاگرس شاخصه‌های حفظ و اشاعه‌ی فرهنگ و هنر را در خود در هر مقطعی از تاریخ بر اساس اسناد تاریخی داشته است. پس از آنکه شاه خوشین در قرن چهارم تنبور را هیبتی تازه با تعریفی جدید ارائه می‌دهد، صحنه (دینور) اولین پایگاهی است که این انقلاب هنری با تعریف جدیدش را می‌پذیرد؛ که این پایگاه را می‌توان در مقاطع مختلف تاریخی بر اساس شواهد و قرائن موجود باز نمایاند. دده بگتر در این منطقه در قرن پنجم هجری نمونه‌ی شاخص این مفهوم است که حظ روحانی با نوای تنبور را با یارانش جمع می‌بسته‌اند. اهتمام به مقام و پردازش به روح هنر از جمله ساخت و تهیه‌ی این ساز در منطقه نسل به نسل و دوره به دوره انتقال داده می‌شود تا به پیرفتحعلی صحنه‌ای در قرن هشتم می‌رسد، که اگر بخواهیم در این خصوص مفصل بنویسیم خود مقاله‌ای بلند خواهد شد.

وی افزود: حوزه‌ی تنبورنوازی صحنه در هر دوره و عصری رونق می‌گیرد تا به زمان سید فرضی و شیخ امیر در قرن دوازدهم نزدیک به ۳۲۰ سال قبل (هم عصر با نادرشاه افشار) می‌رسد و در هر دوره‌ای مقامی از جانب این بزرگان به گنجینه‌ی مقام‌های تنبور اضافه می‌گردد. کوک دوم تنبور (فاصله پنجم درست) و مقام مهمی در تنبور یارسان بنام شیخ امیری است که نمونه‌ی یک پردازش وزین می‌باشد. اهتمام بر حفظ و اشاعه‌ی مقام‌های تنبور به واسطه‌ی، تیمور ثانی، سید نصرالدین جیحون آبادی، آقاعباس جیحون آبادی و... دست به دست مکتب تنبور صحنه را به اوج شکوفایی و غنای موسیقایی می‌رساند؛ تا آنکه سید ایاز و باباغلام همت آبادی و سید امراالله شاه ابراهیمی، درویش امیر حیاتی و...



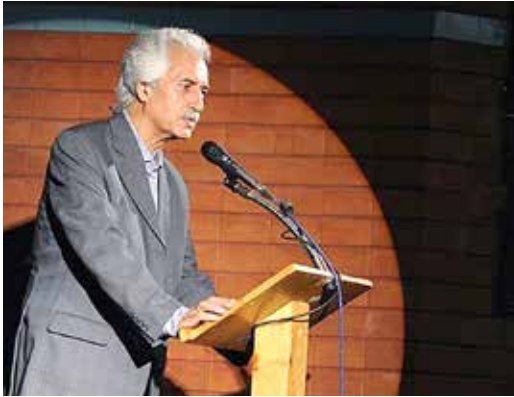
این موضوع موافقت نکردند. من از این موضوع خبر نداشتم تا اینکه به ایران برگشتم و متوجه شدم میراث فرهنگی می‌خواهد شهر دالاهو را به عنوان شهر تنبور انتخاب کند. من فکر کردم که این می‌تواند قدمی برای ثبت جهانی تنبور در یونسکو باشد قبول کردم. در آنجلسه هم عنوان کردم که چون تنبور در چند شهر رواج دارد آیا نمی‌شود نام چند شهر به عنوان شهر تنبور مطرح شود؟

این نوازنده پیشکسوت تنبور گفت: این یک کار جمعی دولتی بوده با شرکت استانداری، فرمانداری و میراث فرهنگی انجام شده است و در ضمن اعضای شرکت کننده در جلسه مشورتی که به سرپرستی آقای حیدری تشکیل شد بعد از آن هیچ اقدام دیگری مغایر تصمیمات اتخاذ شده در جلسه مشورتی انجام ندادند. البته برخی از دوستانی که الان شاکمی هستند بعد از آن جلسه مسائل دیگری با بعضی از مسئولین موسیقی استان مطرح کردند که کاملاً مغایر با قول و قرارها و تصمیمات اتخاذ شده در آن جلسه‌ی مشورتی بود. ضمناً حضور من در جلسه مرداد ماه سال جاری که در میراث فرهنگی تشکیل شد برای این بود که من در منطقه دالاهو خانه تنبور را ساختم.

وی افزود: موضع من این است که اگر کرمانشاه به عنوان شهر تنبور شناخته شود خیلی خوب است. اما اگر قرار است فقط یک شهر اعلام شود بنظر من شهرستان دالاهو به دلیل مرکزیت تنبور گزینه اول است. نظر خود من این است اگر قرار است این ماجرا باعث اختلاف شود بهتر است هیچ شهری نباشد. البته این نکته هم قابل توجه است که به من اعلام کردند شهرستان دالاهو به عنوان «شهر ملی ساخت تنبور» قرار است نام گیرد که در این صورت هیچ کارگاهی قدیمی‌تر از کارگاه گهواره در ایران وجود ندارد. هر جا یارسان هست منشأ آن دالاهو است و هزار سال است که مقامات تنبور هم مربوط به این آئین است. بنظر من مخالفت با کلمه دالاهو مخالفت با کل جریان آئینی و عقیدتی تنبور است و اصل مقامات هم از اینجا سرچشمه گرفته است. اما اگر اینکه چند شهر به عنوان شهر تنبور شناخته شود هم خیلی خوب است.

### \*همدلی مهمترین محور در نامگذاری شهر تنبور باشد

همچنین فرید الهامی آهنگساز و نوازنده تنبور شهر صحنه پیرامون نامگذاری یک شهر به نام شهر ملی تنبور و همچنین قدمت و خاستگاه جغرافیایی تنبور گفت: به نظرم قبل از پرداختن به دو حوزه



او با بیان اینکه این مسئله نباید باعث نزاع و کشمکش بین اقوام مختلف غرب ایران شود، گفت: در استان کرمانشاه و شهرهای دالاهو، صحنه، کرد و ... از صدها سال پیش تنبورسازی و تنبورنوازی رواج داشته و بزرگان موسیقی زیادی از همه این مناطق پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. اکنون نمی‌دانند که از بین این شهرها کجا را به عنوان مرکز تنبور انتخاب کنند و یا اینکه باید همه اینها را به عنوان مرکز تنبور در نظر بگیرند.

این کارشناس موسیقی ادامه داد: به نظر هر کدام از مسوولان مختلف از شورای شهر گرفته تا نماینده مجلس که در این جریان دخالت دارند، شهر خودشان را برای انتخاب به عنوان مرکز تنبور مناسب‌تر می‌دانند. ساختن و نواختن تنبور یک بحث تاریخی است و در همه این مناطق رواج دارد که این امر مسئله را به یک بحث کارشناسی تبدیل می‌کند، همچنین این مسئله به یک بحث سیاسی و امنیتی تبدیل شده که در شرایط کنونی بسیار مهم است و باید مسائل فرهنگی را با آن هم‌سو کنیم. این امر به این جهت به یک بحث سیاسی و امنیتی تبدیل شده که نظر افرادی که تنبور نواز هستند بر اساس مسائل موسیقی و تاریخی است؛ به این معنا که از یک پیشینه دیرینه صحبت می‌کنند که در همه این مناطق وجود دارد و در چندین نقطه رواج گسترده تاریخی داشته‌اند؛ یعنی نمی‌توان گفت که مثلاً در شهر صحنه هست و در کرد نیست.

وجدانی درباره حساسیت انتخاب شهر مناسب به عنوان مرکز تنبور توضیح داد: در کل اگر بخواهیم شهر ملی تنبور را از نظر تاریخی، موسیقایی، سیاسی و امنیتی انتخاب کنیم باید به گونه‌ای باشد که به هیچ وجه چه حالا و چه بعداً باعث ناراحتی و نزاع بین طرفداران و نوازندگان تنبور نشود. ولی اگر دقت نکنیم و حساسیت به خرج ندهیم، باید مطمئن باشیم که در آینده باعث ایجاد کدورت خواهد شد. هیچ منطقه‌ای در ایران چنین تعصبی روی یک ساز ندارند که البته از نظر پاسداری از یک میراث فرهنگی و هنری امر بسیار خوبی است. همچنین تا به حال درباره هیچ سازی چنین پیگیری و حساسیتی وجود نداشته است؛ به همین دلیل باید تمام علاقه‌مندان سیاسی و کسانی که به صلح و صفای منطقه علاقه‌مند هستند و دوست ندارند چنین موضوعی باعث جنگ و دعوا شود، حساسیت به خرج دهند و به گونه‌ای تصمیم بگیرند که نمایندگان موسیقی تمام این مناطق که امین مردم هستند و مردم هر کدام از این مناطق تنبور خیز به آنها اعتماد دارند و آنها را استاد می‌شمارند،

آنها به نسل امروزی می‌رسانند.

الهامی در خصوص تغییرات تنبور نیز گفت: سه سیم شدن تنبور از حدود ۱۴۰ سال پیش در صحنه اتفاق افتاده (به روایتی از استاد خدوردی و به روایتی از زنده یاد استاد نورعلی الهی). در سال ۱۳۳۳ برای اولین بار درویش امیر حیاتی تنبور را در رادیو با اشعار فارسی (علی گویم علی جویم) اجرا می‌کنند و در سال ۱۳۵۳ استاد زنده یاد سید امیرالله شاه ابراهیمی پدر تنبور نوازی معاصر، تنبور را از جمعانه‌ها به سوی استیج‌های موسیقی هدایت می‌کنند و پس از آن از بارزترین اساتید منطقه در معرفی ساز تنبور در بین نسل امروز و همچنین در ابعاد جهانی بی شک زنده یاد استاد سیدخلیل عالی نژاد بود که نقش بسزایی در این مهم داشته است.

الهامی به نقش ویژه منطقه صحنه در خصوص رشد ساز تنبور اشاره کرد و گفت: با توجه به مستندات تاریخی و صدها نشانه با دلیل و سند از تنبور نوازی و تنبورسازی در این منطقه، شهر صحنه را بی شک می‌توان به نوعی مهد تنبور و مقام نامید. اما جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست از دوران گذشته تنبور سازی و تنبور نوازی در گوره جو و گهواره و ایل قلخانی و سنجابی جایگاه ویژه‌ای داشته است و همچنین میراث‌دارانی چون کادارا، لالو بیر خان، سید قاسم افضلی درویش علی میر، سید محمود علوی، سید ولی حسینی و استاد طاهر یارویی و... در این مناطق می‌زیسته‌اند و اجداد استاد اسدالله فرمانی تا هشت نسل گذشته در ساخت ساز تنبور همت گماشته‌اند.

فرید الهامی با اشاره به موضوع ثبت شهر ملی تنبور خطاب به مسولان میراث فرهنگی و استانداری کرمانشاه گفت: با توجه به پیشینه فرهنگی این ساز در دو حوزه تنبور نوازی که پیشتر عنوان شد آیا بهتر نیست از دوشهر صحنه و دالاهو به عنوان شهرهای تنبور یاد شود؟! تا با این کار علاوه بر دوستی و مودت و برادری بیشتر در بین دو منطقه حقی نادیده گرفته نشود و اجحافی بر تاریخی نشده باشد. اگر قصد و هدف پاسداری از این ساز است که همدلی و در کنار هم‌دیگر بودن مهمترین مساله است و بر اساس مفاد کنوانسیون یونسکو ثبت ملی و جهانی، جهت صلح و همچنین مهر و دوستی در بین اقوام مختلف بنانهاده شده است.

وی افزود: جلسه‌ای که در ۱۶ دیماه ۱۳۹۸ در کرمانشاه با حضور اساتید و بزرگان دو حوزه برگزار شد، صورتجلسه‌ای با امضای تمام بزرگان منطقه منعقد گردید که تماماً متفق القول بر ثبت این دوشهر (صحنه و دالاهو) بعنوان شهر تنبور صحنه گذاشته شد.

### ※ ثبت شهر ملی تنبور باید موجب صلح و مودت شود

بهروز وجدانی، پژوهشگر موسیقی نیز در سخنانی در این رابطه گفت: ثبت دالاهو به عنوان شهر ملی تنبور که این چند روز در فضای مجازی مطرح شده است، سابقه‌ای دوساله دارد و ربطی به کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس مربوط به ۲۰۰۳ یونسکو ندارد. اکنون تنها می‌خواهند شهری را به عنوان شهر ملی تنبور انتخاب کنند که افرادی معتقد هستند دالاهو باید انتخاب شود و برخی هم کرمانشاه را مناسب می‌دانند. البته گویا واژه «ساختن» نیز اضافه شده است که صورت مسئله را عوض کرد و می‌خواهند دالاهو را به عنوان مرکز ساخت تنبور به ثبت برسانند.

یکی از تمهیدات متصدیان امر افزودن واژه «ساخت ساز» به پیشنهاد قبلی یعنی «شهر ملی تنبور» بود و دالاهو را تحت این عنوان، یعنی «شهر ملی ساخت ساز تنبور» اعلام و به سرعت به ثبت رساندند چرا که این موضوع یعنی بردن بحث ثبت ملی شهر دالاهو در زیر مجموعه صنایع دستی میراث، دست بانیان را برای انجام این کار که با مخالفت گسترده کارشناسان مواجه شده بود باز تر می کرد. گفتنی است که طبق قواعد وزارت میراث، ثبت ملی ساخت ساز ربطی به محتوا و موضوع اصلی و قبلی حضرات، که موسیقی تنبور است نداشته و مشمول قوانین و قواعد معاونت صنایع دستی است.

جالب اینکه شنیده شده که مسئولان و مشاوران امر در جلسات کارشناسی گفته اند که کسی متوجه واژه ساخت تنبور در جلوی شهر دالاهو نمی شود و بعد از مدتی این شهر به همان نام «شهر ملی تنبور» شناخته خواهد شد! و جالب تر اینکه خودشان هم در مصاحبه ها و اخبار متعددی که از رسانه های استان منتشر شده، کمتر از این واژه ساخت استفاده کرده و بیشتر تمایل به معرفی دالاهو به عنوان شهر ملی تنبور نشان داده اند.

اینکه مسئولان مربوط و مشاوران هوشمندشان چطور می فکر کرده اند که این طرفند را کسی متوجه نخواهد شد و بهره هوشی مخاطبان عام و خاص را خیلی از بهره هوشی خودشان پایین تر فرض کرده اند بماند.

ناگفته نماند که هر حرکت فرهنگی بویژه در حوزه هنر ملی و باستانی که به تحکیم پایه ها و مایه های اصلی و اساسی فرهنگ و هنر ملی و بومی کمک کند قطعاً مورد اقبال فرهیختگان و فرهنگیان راستین جامعه قرار می گیرد اما جای تاسف است که مسئولان استان و دیگر مسئولان بالادستی به نظرات کارشناسان و زبده گان فرهنگی و حتی به نظر نهاد صنفی و تخصصی موسیقی کشور که جایگاه والا و بالایی به لحاظ دیدگاه کارشناسی دارد وقتی ننهاده و بدون کمترین توجهی به خواست و نظر دیگر هنرمندان و بزرگان شهرهای اطراف و اکناف استان که سابقه چند صد ساله در نوازندگی تنبور دارند، صرفاً با رابطه شخصی و برای دلخوشی دور همی تعدادی از دوستانشان دست به کاری در این سطح می زنند.

و شگفتا که برخی افراد مسئول و دخیل در این امر هنگامی که با اعتراض دامنه دار و مستدل معترضین مواجه می شوند با دستپاچگی تمام و با طرح مطالب خلاف واقعیت و با هدف دفاع از عمل مغایر با اصول و ضوابط کارشناسی شده برآمده و می فرمایند که در دالاهو بیش از یکصد کارگاه ساخت تنبور وجود دارد در حالی که به جرات می توان گفت که کمتر از یک دهم این تعداد هم در این شهرستان موجود نیست و یا از خبر تحیرآور فروش بیش از ۱۵ هزار دلار ساز تنبور در سال گذشته دم می زنند!

این یادداشت بنا ندارد سخن واضح، روشن و صائب کارشناسان در زمینه برشمردن تبعات بسیار منفی و دورنمای تاریک این تبعیض و پارتی بازی آشکار را تکرار کند و فقط از کارشناسان و مسئولان مدعی دلایل ثبت ملی این شهر درخواست دارد برای همین دو ادعای خود سند ارائه بدهند که اگر چنین کنند بر نگارنده این یادداشت اثبات خواهد شد که ریگی در کفش مسئولان نبوده است!

در جلسهای تصمیم بگیرند که عنوان درست چیست. البته این امر دو سال گذشته نیز اتفاق افتاده است و هزار نفر از تنبور نوازان منطقه تصمیم گرفتند کرمانشاه به عنوان شهر ملی تنبور انتخاب شود؛ چون کرمانشاه مرکز استان است و با این انتخاب نمی توان منکر شد که در شهرهای دیگر استان تنبور نوازی نیست، همچنین کرمانشاه هم نام با اسم استان است و هم اینکه پیشتر هزار نفر برای انتخاب کرمانشاه به عنوان شهر ملی تنبور نوازی امضا جمع کرده اند؛ در نتیجه کرمانشاه می تواند بی دردسرتین انتخاب باشد.

او در پایان گفت: البته تا به حال که صحبت بر سر ثبت مرکز تنبور نبوده، همه در صلح و صفا بوده اند و ثبت چنین چیزی نباید باعث ایجاد مشکل و جنگ و دعوا شود بلکه ثبت باید باعث صلح و مودت شود.

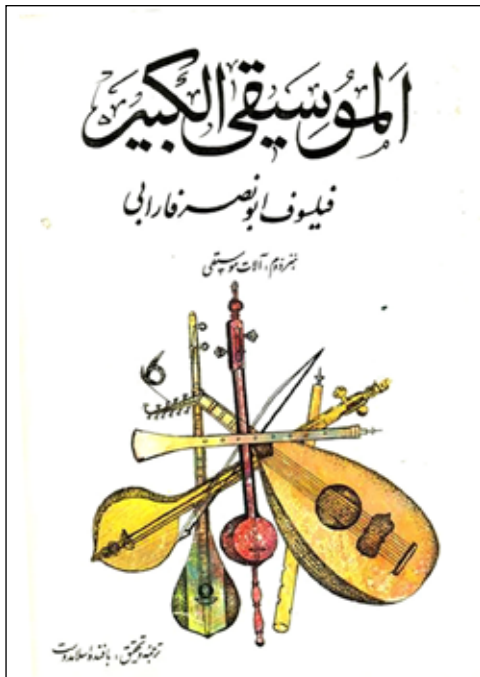
### \*غل و غش بومی در یک ثبت ملی!



حمیدرضا عاطفی (رئیس کانون پژوهشگران خانه موسیقی) نیز در یادداشتی در این رابطه گفت:

اخیراً شهر «دالاهو» به عنوان شهر «ساخت ساز تنبور» به ثبت ملی رسید؛ خبری که واکنش های متعدد و متفاوتی را در پی داشت. اما این بار، خبری ملی که علی القاعده باید موجب خرسندی و شادمانی اهالی فرهنگ و هنر در سراسر کشور شود، چنین بازتابی نداشت!... گویا بجز برخی اهالی همان شهرستان دالاهو و مسئول مستقیم میراث در اداره کل کرمانشاه کسی را آنچنان که باید شادمان نکرد! هنرمندان و فعالان آن منطقه با محوریت اداره کل میراث استان در یک دو سال گذشته فعالیت های مجدانه ای برای به ثمر رسیدن این طرح داشتند و هنگامی که سال گذشته پیش خیراین بحث منتشر شد چنین قرار بود که این شهر به عنوان «شهر ملی تنبور» به ثبت برسد اما متعاقب اعتراض تنبور نوازان و هنرمندان دیگر شهرهای استان و نامه خانه موسیقی در تحذیر مسئولان به انجام این کار که اشاره کرده بودند قطعاً انجام چنین کاری موجب نثار و تفرقه بین هنرمندان استان خواهد شد و به نوعی تبعیض قائل شدن بین هنرمندان شهرهای صحنه، گوران، کوند و دالاهو است، طرح مسکوت گذاشته شد، اما متأسفانه برخی مسئولان و ذی نفعان محلی که به منطق مخالفت کارشناسان بی توجه بودند کوتاه نیامده و مترصد فرصتی دیگر شدند تا به اصطلاح رونود با چراغ خاموش و با تمهیدات دیگری به مقصد خویش دست یازند.

# موسیقی کبیر



سج آشکار شود.

در این کتاب علاوه بر اینکه به پرکاربردترین اصطلاحات مربوطه پرداخته شده است، به وزن در موسیقی ایرانی و غربی نیز اشاراتی شده است و رایج ترین آنها به همراه مثال هایی معرفی شده است.

در بخش دوم (بخش عملی) ۱۵۶ تمرین ریتم خوانی شامل میزان های ساده و ترکیبی در متر دوتایی (دوضربی)، سه تایی (سه ضربی) و چهارتایی (چهارضربی) آورده شده است که از ساده تا نسبتاً دشوار مرتب شده اند. در قسمت پیشگفتار این کتاب پیشنهاد شده است این تمرینها با متروم و در تنداهاى مختلف انجام شود. بدین ترتیب که یک تمرین ابتدا با کمترین تنداى ممکن (تنداىی که هنرجو به راحتی بتواند تمرین را بخواند) انجام شود. سپس در هر بار تمرین با یک تصاعد حسابی مناسب (مثلاً دوتادوتا یا چهارتاچهارتا) تندا افزایش یابد تا به بیشترین تنداىی برسد که ممکن است. همچنین پیشنهاد شده است در هر بار تمرین خواندن نتها یا یک صدای موسیقایی معین و با نام هجایی آن انجام شود. مثلاً در مرتبه نخست با هجا و صدای «د» میانی (بیست و چهارمین شستی سفید پیانو از سمت چپ) و در مرتبه بعدی با هجا و صدای «ر» میانی.

چون این کتاب شامل مفاهیم دقیق بنیادی و تاریخی مربوط به ریتم است مطالعه آن به همه علاقه مندان به موسیقی آکادمیک به ویژه دانش آموزان هنرستان موسیقی و دانشجویان این رشته پیشنهاد می شود.

برهیچ اهل فنّی گستردگی و پیچیدگی های پر رمز و راز موسیقی پوشیده نیست، چنانکه حکیم و دانشمند ایرانی ابوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰ هجری قمری) در مورد علم موسیقی گفته است: «هذا العلم، أین المرء»

فیلسوف و دانشمند ایرانی، حکیم ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۵۹ هجری قمری) ملقب به معلم ثانی در کتاب موسیقی الکبیر، دانش موسیقی را به دو بخش تقسیم می کند:

الف) علم تألیف که به مطالعه تناسب نغمات از حیث جدت و ثقیالت (زیر و بمی) می پردازد که اکنون در کتب تئوری موسیقی ذیل عنوان فاصله موسیقایی و مباحثی که پیرو آن می آید قرار می گیرد. ب) علم ایقاع که موضوع آن بررسی فاصله زمانی بین نغمات و تقرات و مطالعه وزن در موسیقی است که امروزه تحت عنوان ریتم و متر مورد بررسی قرار می گیرد.

در بخش اول این کتاب به بررسی نظری ریتم در موسیقی پرداخته شده است و کوشش شده تا تعاریف ارائه شده در مورد اصطلاحات و قواعد مربوطه از ویژگی های لازم برخوردار باشد. در علم منطقی، تعریف را ویژگی هایی است که عبارتند از:

- واضح تر بودن مَعْرِف (تعریف) از مَعْرِف (آنچه که تعریف شده).

- مرتبط بودن مَعْرِف با مَعْرِف  
- رابطه تساوی بین مَعْرِف و مَعْرِف. (تعریف باید همه مصادیق مفهوم مورد نظر را شامل شود و مانع از ورود مصادیق غیر مرتبط شود. این ویژگی را جامع و مانع بودن تعریف می نامند)

- وجود حداقل یک مفهوم ذاتی (درونی) در تعریف. مفهوم ذاتی آن است که از ذات اشیاء جدایی ناپذیر باشد. مثلاً مثلث اینگونه تعریف می شود: شکل سه ضلعی. شکل بودن و سه ضلعی بودن هر دو برای مثلث ذاتی هستند. یعنی مثلثی که شکل نباشد و یا سه ضلعی نباشد قابل تصوّر نیست.

- از کل به جزء بودن. (ابتدا مفاهیم عام تر و سپس مفاهیم اختصاصی بیان شود). مثلاً در تعریف مثلث، ابتدا شکل بودن و سپس سه ضلعی بودن آن بیان می شود، زیرا که مفهوم سه ضلعی در ذیل مفهوم شکل قرار می گیرد.

در این کتاب علاوه بر ارائه تعاریفی که حتی الامکان از ویژگی های فوق الذکر برخوردار باشد، تعاریف رایجی که چندان مطلوب نیست و از ویژگی های مزبور بهره کمتری برده اند آورده شده است تا تفاوت آن ها و ظرافت تعاریف ارائه شده بر خواننده نکته

## تازه‌های کتاب و آلبوم

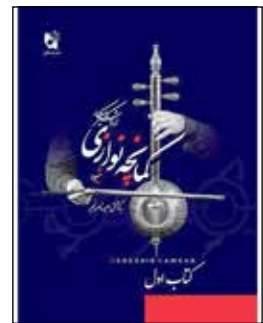
### انتشار آثار ارکسترال هوشنگ کامکار

مجموعه آثار ارکسترال هوشنگ کامکار شامل آثار ارکسترال سازی و آوازی است که در ۱۴ جلد کتاب ۱۱ عدد لوح فشرده صوتی توسط انتشارات مشاهیر هنر منتشر شده است. این آثار مجموعه کاملی از آثار ارکستر زهی سازی و آوازی و همچنین آثار سمفونیک سازی و آوازی است و شامل «سماع ضربی‌ها»، «ویولن کنسرتو هوشنگان»، «شباهنگام و باغ‌های پژمان»، «پوئم سمفونی‌های خرمشهر و حلبچه»، «مشتاق گل»، «منظومه‌های سمفونیک کامکار»، «کوچه‌های چوار باخ»، «محاق»، «کوچ بنفشه‌ها»، «خاطرات جوانی»، «چنین نخواهد ماند»، «در گلستانه»، «دور تا نزدیک» و «هیچ در هیچ» است که ۱۱ عنوان آن همراه با لوح فشرده صوتی است. پارتیتور قطعات ساخته شده توسط استاد هوشنگ کامکار در کنار لوح فشرده صوتی آنها باعث گردیده که این مجموعه به مرجعی مناسب برای بهره برداری آهنگسازان، هنرجویان آهنگسازی و دیگر علاقمندان به موسیقی تبدیل شود.



### کتاب اول آموزش کمانچه نوازی اردشیر کامکار منتشر شد

آموزش کمانچه (دوره اول) تألیف اردشیر کامکار آهنگساز، نوازنده و مدرس پیشکسوت کمانچه توسط نشر هستان منتشر شد. اردشیر کامکار درباره کتاب آموزش کمانچه گفت: «از سال‌های آغازین فعالیت هنری ام همواره در تلاش برای ارتقاء جایگاه کمانچه در موسیقی سنتی ایران بوده‌ام. در این رهگذر کوشش خود را بر جنبه‌های گوناگون اعم از ساختن و نواختن قطعات مختلف (در قالب تکنوازی و گروه نوازی) تألیف و آموزش ارتقای سطح تکنیکی این ساز گمارده‌ام. اینک پس از دهه‌ها فعالیت مستمر در این عرصه، خوشحالم که کمانچه جایگاه والای خود را در موسیقی ایرانی یافته، آهنگسازان با امکانات وسیع برای آن می‌نویسند و نوازندگان جوان و توانا آن را بسیار پر احساس، توانمند و بیانگر می‌نوازند. این بار تلاش خود را پس از سال‌ها آموزش، معطوف به تألیف کتاب آموزش پایه کمانچه بر اساس ویژگی‌های موسیقی ایرانی و موسیقی محلی کردم؛ و نتیجه آن کتاب حاضر است که می‌تواند در هنرستان و آموزشگاه‌ها مورد استفاده هنرجویان قرار گیرد.»



### تئوری موسیقی؛ جلد اول: ریتم و وزن

کتاب تئوری موسیقی، جلد اول ویژه مبحث ریتم و وزن تألیف امیر انجیری استرکی توسط نشر نای و نی منتشر شد. بخش اول این کتاب با عنوان بخش نظری علاوه بر اینکه به پر کاربردترین اصطلاحات مربوطه پرداخته شده است، به وزن در موسیقی ایرانی و غربی نیز اشاراتی دارد و رایج‌ترین آنها همراه با مثال‌هایی معرفی شده است. این بخش شامل مباحثی نظیر دیرند، نت نویسی منزورال، نقطه تمدید، نقطه امتداد، خط انحداد، خط اتصال، صدای مقطع، صدای بیش مقطع، صدای نیمه مقطع، نقطه توقف، ریتم، وزن در موسیقی ایرانی، وزن در موسیقی اروپایی، افاعیل عروضی، ضرب، متر در موسیقی، میزان، انواع میزان، میزان نما، علائم میزان در نت نویسی منزورال، میزان ساده، متداول‌ترین میزان‌های ساده عادی، میزان ترکیبی، متداول‌ترین میزان‌های ترکیبی عادی، ترکیب میزان‌های ساده معین و تشکیل میزان‌های ترکیبی، رابطه میان میزان ساده و ترکیبی، قوت و ضعف ضرب‌ها، ضرب بالا، سنکپ، ضد ضرب، میزان مختلط یا لنگ، تقسیم غیر طبیعی دیند، تریله (سه بر دو)، دوئله (دو بر سه)، کوارتله، تند (تمپو) و مترونم است. در بخش دوم کتاب با عنوان بخش عملی ۱۵۶ تمرین ریتم خوانی شامل میزان‌های ساده و ترکیبی در متر دوتایی (دوضربی)، سه تایی (سه ضربی) و چهارتایی (چهارضربی) آورده شده است که از ساده تا نسبتاً





دشوار مرتب شده اند.

در پایان کتاب به منظور قدردانی و امانتداری نام منابعی که مورد استفاده قرار گرفته و به آنها رجوع شده است آورده شده است. پرکاربردترین مرجع و منبع در این تالیف، کتاب رساله ریتم در موسیقی (انتشارات داستان) تالیف امیر انجیری استرکی، کتاب تئوری موسیقی اثر استاد مصطفی کمال پور تراب و اطلاعاتی است که نویسنده از ایشان بصورت شفاهی در مدتی قریب به بیست سال آموخته است.

### آلبوم «تا تو با منی» منتشر شد

آلبوم «تا تو با منی» عنوان تازه‌ترین اثر تولید شده از سوی موسسه فرهنگی هنری «راد نو اندیش» به مدیریت بردیا صدرنوری است که با آهنگسازی و رهبری ناصر ایزدی، همراهی ارکستر ملی «مهر» و خوانندگی داود فتحی منتشر شده است.

در این آلبوم آثاری از شاعران مطرح معاصر کشورمان از جمله هوشنگ ابتهاج، مهدی اخوان ثالث، سیمین بهبهانی، سهراب سپهری، حمید مصدق و گلچین گیلانی پیش روی مخاطبان قرار گرفته است. ضمن اینکه علیرضا دریایی نوازنده ویولن و مجید واصفی نوازنده تار در دو بخش آلبوم به اجرای تک نوازی پرداخته اند.

علیرضا دریایی، حامد ابراهیمی، رضا رضاپور، سامان محمدنبی، روژین عدالت، سارا نادری، بردیا امیری، حسین واحدی، میثم رضایی مهر، نازنین طهرانی نوازندگان ویولن، علیرضا دریایی، حمیدرضا باقری، احمدرضا نیکخو، روژین عدالت نوازنده ویولن آلتو، نیلوفر ابراهیمی نوازنده فلوت، محمد حسین غریبی نوازنده ویولنسل، علیرضا دریایی نوازنده کمانچه، علی شمس آبادی نوازنده کلارینت، آزاده امیری نوازنده تار، نیلوفر هداوند نوازنده تارباس، دنیا فتحی نوازنده پیانو، امیرشکرآبی نوازنده تمبک، علیرضا دریایی تک نواز ویولن، مجید واصفی تک نواز تار و صحرا شعبانی (همخوان) اعضای گروه نوازندگان ارکستر ملی «مهر» را تشکیل می دهند. ضمن اینکه پرهام عرب طراح گرافیک، محسن آزاده عکس، یاسر فلاح پور - استودیو «پژواک» (ضبط موسیقی)، صادق نوری - استودیو «مدرن» (ضبط خواننده، میکس و مسترینگ) نیز دیگر عوامل اجرایی آلبوم «تا تو با منی» هستند.

آلبوم «تا تو با منی» به آهنگسازی و رهبری ارکستر ناصر ایزدی، همراهی ارکستر ملی «مهر» و خوانندگی داود فتحی توسط موسسه فرهنگی هنری «راد نو اندیش» تولید شده و پخش از آن نیز توسط «نشر و پخش جوان» صورت گرفته است.

### «مشتاق گل»

«مشتاق گل» به آهنگسازی هوشنگ کامکار، خوانندگی امیرناصر رنجبر و با همخوانی صبا کامکار منتشر شد.

این آلبوم به سبک موسیقی ملی ایران برای ارکستر زهی و سازهای ایرانی تصنیف شده است. قسمت‌های آوازی اکثراً بصورت دوئت و کنترپوانیک آوازی بوده، بصورتی که نقش صدای زن و مرد یکسان است. این آلبوم شامل قطعات «مشتاق گل»، «خطابه شرقی»، «آواز صلح» و «گل باغ آشنایی» است که اشعار این قطعات به ترتیب توسط عمادالدین نسیمی، هوشنگ کامکار، باباطاهر و سعدی و م. آزاد سروده شده.

در این آلبوم ارسلان کامکار (ویولن و آلتو)، علی جعفری پویان (ویولن)، نگار نوراد (ویولنسل)، نیریز کامکار (تار)، امیرناصر رنجبر (کمانچه) و آریین رضایی (دف) به نوازندگی پرداخته اند.

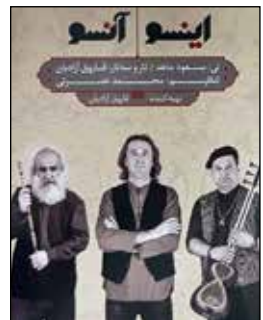
آلبوم «مشتاق گل» به آهنگسازی هوشنگ کامکار توسط نشر راوی آذر کیمیا منتشر و به بازار عرضه شده است.

### این سو، آنسو

#### نی: مسعود جاهد / تار و سه تار: فاروق آزادیان

این اثر شامل ۷ قطعه با عناوین رنگ ابوعطا (ساخته حسن کسایی)، پیشدرآمد دشتی (ساخته رضا محجوبی)، تمرین دشتی (ساخته ابوالحسن صبا)، پیش درآمد ماهور، رنگ ماهور (ساخته درویش خان)، رنگ دشتی (ساخته حبیب سماعی) و زرد ملیجه، در قفس (ساخته ابوالحسن صبا) است که با نی مسعود جاهد، تار و سه تار فاروق آزادیان و تنظیم محمد نصرتی در قالب یک آلبوم به بازار عرضه شده است.

نشر خورشید آهنگ پاریسی





انوش جهان‌شاهی

## «رسانسی دیگر باید»



جدی و مشخص و اصولی است. یکی از مهمترین دلایل رکود هنری در موسیقی کنونی ایران، گسترش این رویه و بساط شارلاتانیسم و حاکم شدن دیدگاه‌های غیر فرهنگی و صرفاً بهره برداری‌های مالی و اقتصادی است. چرا که امروز در نسل نوجوان و جوان عامدانه (یا جاهلانه!) هنر و هنرمندان واقعی شناسانده نمی‌شوند و اغلب جوانان، هنرمندان واقعی را از هنرمند نماهای پوشالی و کاذب تشخیص نمی‌دهند. به جرأت می‌توان گفت موسیقی ایرانی در دهه‌ی اخیر پیشرفت چندانی نداشته و آنچه امروز مورد توجه شنیداری و تقلید هنری است همان است که در چند دهه‌ی گذشته، دیگران می‌شنیده‌اند!

نه سبک نوینی معرفی شده و نه آثار با ارزش موجود امروزی امکان حضور و بروز آشکار در شأن و منزلت لازم را دارند. به نظر نگارنده در کنار سیاست زدگی هنر، عواملی چند موسیقی و هنر را از پیشرفت باز داشته است.

در درجه نخست باید به شخصیت عرضه کنندگان هنر یعنی هنرمندان توجه کرد. چرا که متأسفانه غیر از محدودی از هنرمندان راستین، اغلب افرادی که دم از هنر و هنرمندی می‌زنند، مقلدهای نابلدی بیش نیستند! نه در راه کسب هنر زحمت و ریاضت کشیده

در قرن حاضر مقارن با ترقیبات علمی و فنی در رشته‌های مختلف در جهان، در رشته‌های هنری نیز پیشرفت‌های شگرفی به چشم می‌خورد.

بهترین رمز موفقیت هنرمندان در کشورهای مترقی، توجه به این نکته و حقیقت است که دانش و فنون هنری نیز نیاز به تحصیل و گذراندن دوره‌های ویژه‌ی آموزشی و پرورشی بلند مدت دارد. در موسیقی هم غالباً اشخاصی نامشان جزو هنرمندان برده می‌شود که حتماً دوره‌های مخصوص آن را نزد اساتید فن و هنر گذرانده باشند و آماورها (غیر حرفه‌ای‌ها) که اساساً به منظور سرگرمی خود و دوستانشان با موسیقی آشنا می‌شوند، هرگز ادعای هنرمندی یا استادی ندارند.

اما متأسفانه امروز در جامعه ایران شاهد رواج این رویه هستیم که هیچ کس احتیاجی به آموزش و پرورش اصولی و طی شدن زمان لازم برای احراز مقام هنرمندی ندارد! بلکه افراد با داشتن غرور کاذب و به قصد خودنمایی، داشتن روابط حاکم بر ضوابط و امکانات مالی، به سرعت خودشان را به عنوان هنرمند جا زده و به جامعه تحمیل می‌کنند و با بی‌انصافی و وقاحت از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند! در حقیقت در کشورها و جوامع مترقی، توجه مردم و مسئولین به هنر و راهی که برای رسیدن به آن طی می‌شود بسیار

و رندترین افراد را پررنگ کرده و بر اساس انتفاعات تبلیغاتی یا اقتصادی و عقیدتی خودشان به مردم تحمیل کنند!

صدا و سیما و مسوولین وزارت ارشاد و سایر نهادهای ذریبط اگر به تعداد هنرمندان واقعی نمی افزایند، مجاز نیستند که هنرمندان با ارزش کشور را که پُرشمار هم نیستند - دلسرد کرده و خانه نشین کنند!

از سوی دیگر جراید و فضای مجازی ما هم اغلب به دنبال عکس و خبرسازی هستند و به علت نداشتن نویسندگان و گردانندگان مطلع و آگاه، آنچه درباره هنر و هنرمند انتشار می دهند چیزی جز «سوژه‌های گذرا و دهن پُرکن و توخالی» نیست و منظور این رسانه‌ها هم از سوژه یعنی «نان و آب» به ندرت از هنرمندان واقعی و تاثیرگذار موسیقی این سرزمین در صدا و سیما و .... یاد می شود و کسی از آنها خبری نمی گیرد! بر خلاف جامعه

اندو نه به لحاظ ژنتیکی و ذوق و استعداد فطری در زمینه ی مساعدی برای حضور و فعالیت در این رشته دارند.

به همین علت فاقد شخصیت هنری هستند چه بسا بی اعتنائی به هنر و هنرمندان راستین در این سرزمین هم به دلیل عملکردها و جولان‌های همین هنرمند نماهای توخالی و بی مایه باشد!

آنچه که امروز همه ما شاهد هستیم این امر تأسف بار است که معرفی و مطرح کردن این اشخاص به عنوان هنرمند هم در این کشور کار هنرستان و دانشکده‌های هنری و استادان معتبر نیست و هنرمندان مدرک و زحمت و آموزش و ... نمی خواهد! کافی است بلندگوی رسانه‌ای چون صدا و سیما یا شبکه‌های مجازی به کسی عنوان هنرمند بدهند آن وقت مردم مجبورند خروجی‌های بی ارزش این افراد را هر چقدر هم بی ارزش و بی محتوا و ناموزون باشند تحمل کرده و ایشان را «هنرمند» بدانند!! صدا و سیما و اغلب جراید و دنیای مجازی (بعضا به حق دنیای دروغین غیر واقعی) همگی در این رکود و انحراف هنری سرزمین ما مقصر و مؤثر هستند.

بدیهی است که این رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما نه تنها در ترویج صحیح هنرها و به خصوص موسیقی خدمتی انجام نداده بلکه خود بزرگترین عامل انحراف و رکود هنری و فرهنگی است. آشکارترین دلیل این ادعا صداهای ناهنجاریست که صبح تا شام از حلقوم عده‌ای رانت دار بی صلاحیت و بی مایه به عنوان هنرمند و خواننده و کارشناس و .... از رادیو و تلویزیون شنیده می شود.

بر عموم جامعه روشن نیست که طریق داخل شدن به جمع خوانندگان و فعالان موسیقی صدا و سیما به چه صورت است؟ ولی هرطور که هست صد در صد غلط و نارواست! چون اگر جذب همکاری طبق موازین هنری و علمی و سنجش معیارهای صحیح و لازم صورت می گرفت دست کم تا به این حد خوانندگان بی مایه و بد صدا و نوازندگان نا بلد و بی اطلاع و غیر متخصص به این سازمان راه نمی یافتند! و کسانی که نه دانش موسیقایی داشته و نه از ذوق هنری بهره‌ای برده‌اند به عنوان آهنگساز معرفی نمی شدند و رندان فرومایه که از هنر و هنرمندی بویی نبرده‌اند محصول یا محصولات هنری آهنگسازان و خوانندگان کشورهای دیگر را به عنوان کار یا اثر جدید خود معرفی نمی کردند!

درست است که رادیو و تلویزیون در اغلب کشورهای دنیا مسئول تربیت هنرمند نیستند ولی مسوولین این سازمان مجاز نیستند به هر شخص بی اطلاع و متخصصی اتیکت (برجسب) هنرمند بچسبانند و توجه مردم را به آنها معطوف کنند!

این رسانه‌های ملی و عمومی موظف‌اند از میان اشخاصی که حقیقتاً هنری در خود دارند بهترین‌ها را انتخاب و پس از معرفی، مردم و جامعه را از هنر آنها بهره مند سازند. نه اینکه حرّاف ترین

**بدیهی است که این رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما نه تنها در ترویج صحیح هنرها و به خصوص موسیقی خدمتی انجام نداده بلکه خود بزرگترین عامل انحراف و رکود هنری و فرهنگی است**

کنونی ایران، هنر واقعی در سایر کشورهای جهان احترام و اعتبار دارد و مورد نیاز مُبرم تلقی می شود و مردم برای تلطیف و آرامش روحی به درک ظرایف هنرهای با ارزش نیاز دارند و از این رو از هنر و هنرمندان راستین حمایت می کنند و اجراها و آثار ارزشمند هنری مورد توجه و استقبال واقع می شوند. همین موضوع موجب پیشرفت و تکامل هنرها می شود.

چنانکه ملاحظه شد در جامعه کنونی ایران همه عوامل رکود هنر موسیقی فراهم است و در این میان هنرمندان متعهد و متخصص با پایمردی و قائم به ذات بایستی برای ابقاء و احیای هنرهای با ارزش و پُر مایه ی این سرزمین کوشش کنند.

برای موسیقی و سایر هنرهای ایران رنسانسی لازم است تا از اضمحلال و بی اعتنائی به آنها بکاهد و آنانکه به ناحق در جامعه هنری برای خودنمایی و سوء استفاده‌ها و مقاصد اقتصادی راهی باز کرده‌اند از صحنه حذف و مطرود شوند.

## احتمال برگزاری آنلاین جشنواره موسیقی امیرجاهد در سال ۱۴۰۰

سومین جشنواره موسیقی امیرجاهد امسال به دلیل شیوع بیماری کرونا برگزار نشد و با توجه به شرایط پیش آمده، شورای سیاست‌گذاری تصمیم به تمدید مهلت ارسال آثار تا پایان بهمن‌ماه سال جاری گرفت تا مرحله نهایی جشنواره در سال ۱۴۰۰ برگزار شود.

مناسب برایشان دادن آن‌ها در زمینه موسیقی وجود ندارد. این جشنواره یک زمینه‌ای ایجاد می‌کند که این استعدادها به روی صحنه بیایند تا استعداد آن‌ها توسط داوران کشف شود.

### \*مهلت ثبت نام در جشنواره موسیقی امیرجاهد تمدید شد

همچنین مهدی مساح بیدگلی (دبیر اجرایی سومین جشنواره موسیقی امیرجاهد) با اعلام این خبر گفت: جشنواره امسال در بخش‌های دوازده‌گانه و گروه نوازی برگزار می‌شود و بسیاری از گروه‌های متقاضی به دلیل شیوع بیماری کرونا و لزوم فاصله گذاری اجتماعی نتوانستند تمرینات خود را پیگیری کرده و آثار مورد قبولشان را به جشنواره ارسال نمایند.

وی افزود: البته تعدادی از متقاضیان هم آثارشان را به دبیرخانه جشنواره فرستادند اما به دلایل ذکر شده هیئت داوران مرحله اول جشنواره موفق به بررسی آثار نشدند.

دبیر اجرایی سومین جشنواره موسیقی امیرجاهد در مورد برگزاری این رویداد در سال آینده نیز گفت: با توجه به شرایط پیش آمده و لزوم برگزاری با شکوه جشنواره در سومین دوره خود، شورای سیاست‌گذاری تصمیم به تمدید مهلت ارسال آثار تا پایان بهمن‌ماه سال جاری گرفت تا مرحله نهایی جشنواره در سال ۱۴۰۰ برگزار گردد.

در این جشنواره که شامل سه بخش: موسیقی ایرانی (دوازده‌گانه)، گروه نوازی و آواز، موسیقی کلاسیک (دوازده‌گانه)، گروه نوازی و آواز) و پژوهش در زمینه موسیقی شهری است، افراد متقاضی و گروه‌های موسیقی با توجه به رده سنی و سوابق آموزشی پس از ارزیابی اولیه و کسب مجوز، به رقابت خواهند پرداخت.

علاقتمندان برای شرکت در این جشنواره می‌توانند با مطالعه فراخوان و آئین‌نامه جشنواره، فرم ثبت نام را از طریق و سایت خانه موزه استاد امیرجاهد [www.moeenjahed.ir](http://www.moeenjahed.ir) دریافت و تکمیل نموده و به دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند. مهلت ارسال آثار به دبیرخانه جشنواره تا پایان بهمن‌ماه ۱۳۹۹ خواهد بود.

لازم به توضیح است، سومین «جشنواره موسیقی امیرجاهد» به همت خانه موسیقی ایران، شهرداری تهران و خانه موزه دکتر معین و استاد امیرجاهد برگزار می‌شود.



حمیدرضا عاطفی دبیر هنری جشنواره موسیقی امیرجاهد درباره وضعیت برگزاری این دوره به خبرنگار هنرآنلاین گفت: امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا نتوانستیم جشنواره را برگزار کنیم و جشنواره یک سال به تعویق افتاد. سومین دوره این رویداد فعلاً در مرحله دریافت آثار است و ما هم مهلت آثار را تا اواخر بهمن‌ماه تمدید کرده‌ایم. آثار به صورت دی‌وی‌دی دریافت می‌شود تا زمان بازبینی داوران فرا برسد.

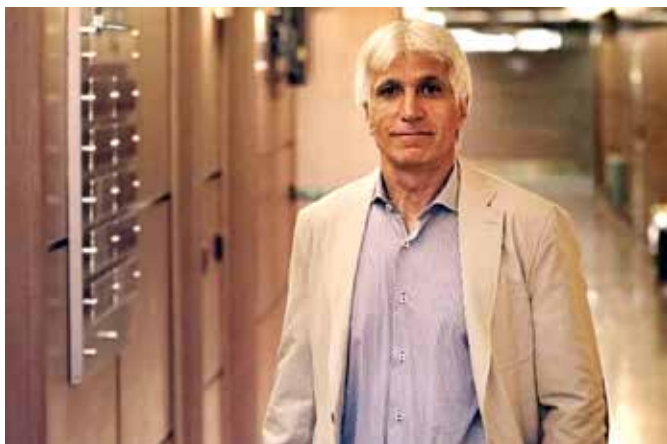
وی با اشاره به این که احتمالاً سومین جشنواره موسیقی امیرجاهد در بهار سال آینده برگزار خواهد شد، بیان کرد: درباره نحوه برگزاری آن نیز باید بگویم، اگر تا بهار سال آینده اوضاع طبیعی شد، قطعاً به صورت حضوری برگزار خواهد شد، در غیر این صورت مجبور هستیم جشنواره را به صورت آنلاین برگزار کنیم.

عاطفی اظهار داشت: جشنواره موسیقی امیرجاهد مانند دیگر جشنواره‌ها تا حدودی یک روال مشخص دارد. تفاوت آن با جشنواره‌های دیگر این است که در این جشنواره تک‌نوازی نداریم. عاطفی در رابطه با هدف اصلی این جشنواره، تصریح کرد: اکثر جشنواره‌های موسیقی یک هدف عمومی و عام دارند که آن هم گسترش موسیقی درست و سالم، توجه به فرهنگ موسیقایی کشور و مسائلی از این دست است.

وی در پایان خاطرنشان کرد: هدف ما در جشنواره موسیقی امیرجاهد مشخصاً توجه به استعدادها، جوان و کشف استعدادها، درخشان در بین نوجوان و افرادی است که در شهرستان‌های کوچک و مناطق محروم زندگی می‌کنند ولی شرایط و زمینه

گفتگوی کوتاه پیرامون صنعت نشر

## صنعت موسیقی به سوی ورشکستگی می‌رود



اجرای کنسرتی وجود ندارد و نشر موسیقی هم به دلیل کساد بازار عملاً از بین رفته است. در فروردین قرار بود وزارت ارشاد از ناشران و تهیه کنندگان موسیقی که همه با سرمایه بخش خصوصی فعالیت می‌کنند ثبت نام کند تا کمک و یا وامی به این تهیه کنندگان موسیقی تعلق بگیرد ولی با اینکه ثبت نام انجام شد تاکنون کمکی صورت نگرفته است.

علمشاهی درباره وضعیت شرکت‌های تهیه و نشر موسیقی گفت: بسیاری از شرکت‌ها مجبور شدند پرسنل خود را تعدیل کنند و حتی برخی از شرکت‌ها توانایی پرداخت هزینه‌های روزمره خود را هم ندارند و دولت هم هیچ کمکی نمی‌کند. عملاً صنعت موسیقی به سوی ورشکستگی و تعطیلی می‌رود و این برای موسیقی کشور فاجعه است.

وی افزود: خبر دارم که در حوزه تاتر و سینما کمک‌های هر چند ناچیز به فعالان این حوزه‌ها صورت گرفته ولی در حوزه موسیقی هیچ کمک نشده است و امیدوارم متولیان موسیقی کشور و مسئولان جلساتی داشته باشند و به این صنف که در حال تبدیل شدن به قشر آسیب پذیر است، کمک‌هایی بکنند.

رئیس کانون ناشران خانه موسیقی در پایان سخنانش گفت: از همه مسئولان و نهادها و کسانی که به موسیقی علاقمند هستند می‌خواهم به داد این صنف جفا دیده برسند.

رئیس هیئت مدیره کانون ناشران خانه موسیقی: برخی از شرکت‌های تهیه و تولید موسیقی توانایی پرداخت هزینه‌های روزمره خود را ندارند و دولت هم هیچ کمکی نمی‌کند و عملاً صنعت موسیقی به سوی ورشکستگی و تعطیلی می‌رود.

غلامعلی علمشاهی (رئیس هیئت مدیره کانون ناشران خانه موسیقی) در خصوص تحقق وعده‌های دولت به فعالان حوزه موسیقی در بحران شیوع کرونا گفت: متأسفانه تاکنون دولت به وعده و قول‌هایی که در رابطه با کمک به فعالان حوزه موسیقی داده بود جامه عمل نپوشانده است. قرار بود بعد از موج اول شیوع ویروس کرونا همزمان با سینماها و سالن‌های تاتر، سالن‌های کنسرت هم با رعایت پروتکل‌های بهداشتی باز شود تا اجراهای موسیقی از سر گرفته شود. دولت در این زمینه هیچگونه همراهی و کمکی نداشت و حتی اجاره سالن‌های موسیقی هم کاهش داد.

وی افزود: کنسرتی هم قرار بود با رعایت همه مسائل بهداشتی و با حد اقل بازدیدکننده در سالن وزارت کشور و بلیت‌هایی با قیمت بالای ۲۵۰ و ۳۰۰ هزار تومان برگزار شود که آن کنسرت هم عملی نشد، بلیت‌ها فروش رفت و کنسرت کنسل شد.

رئیس هیئت مدیره کانون ناشران خانه موسیقی گفت: من به نمایندگی از اعضای کانون ناشران این را می‌گویم که همکاران ما امروز مشکلات عدیده مالی دارند. هیچ

## اخبار موسیقی

پیگیری صنفی موسیقی نتیجه داد  
قانون ده درصد لغو شد

قانون اخذ ده درصد از درآمد حاصل از کنسرت‌ها که سال گذشته موجب نگرانی هنرمندان و فعالان حوزه موسیقی شده بود با پیگیری‌های صنفی لغو شد.

دو سال پیش در سکوت خبری قانون «اخذ ده درصد از درآمد حاصل از کنسرت‌ها» به تصویب رسیده بود که بعد از اطلاع رسانی، موجب اعتراض و نگرانی شدید خانه موسیقی و همه هنرمندان و فعالان موسیقی شد.

متعاقب اعتراض رسمی خانه، اکثریت قریب به اتفاق هنرمندان، ناشران و همه فعالان این حوزه در بیانیه‌ها و نامه نگاری‌های متعدد اعتراض خود را نسبت به این قانون اعلام کردند و مسئولان خانه موسیقی و نمایندگان اهالی موسیقی جلسات متعددی با مسئولان دولتی و مجلس شورای اسلامی برگزار کردند. در نتیجه با موافقت مسئولان وزارت ارشاد، بویژه همکاری بسیار خوب آقای اللهیاری مدیرکل دفتر موسیقی، سال گذشته، به منظور حمایت از هنرمندان و به حداقل رساندن آسیب‌های احتمالی اجرای این قانون در وهله نخست برای موسیقی‌های سنتی، کلاسیک و نواحی لغو شد.

خوشبختانه با پیگیری‌های مستمر و اقدامات انجام شده، بالاخره این قانون بطور کلی برای همه انواع موسیقی از بودجه سال جاری حذف گردید.

## خدمات بیمه و عضویت در ساختمان شماره یک

به دلیل شرایط ویژه و جلوگیری از شیوع ویروس کرونا تمامی خدمات بیمه و عضویت در ساختمان شماره ۱ انجام می‌شود و ساختمان شماره ۲ تا اطلاع ثانوی تعطیل است.

با توجه به استقرار واحد بیمه و عضویت در ساختمان شماره ۱، اعضای خانه موسیقی جهت امور بیمه، عضویت، بیمه تکمیلی و سایر امور اداری به ساختمان شماره ۱ مراجعه نمایند. همچنین اعضا می‌توانند از شنبه تا چهارشنبه تا ساعت ۱۶ با شماره‌های ۶۶۹۱۷۷۱۱ و ۶۶۹۱۷۷۱۲ تماس حاصل نمایند و جهت حفظ سلامت خود و جلوگیری از شیوع ویروس کرونا از مراجعه حضوری اجتناب نمایند.

برگزاری مجامع عمومی و انتخابات خانه موسیقی  
به تعویق افتاد

برگزاری مجامع عمومی و انتخابات کانون‌های ده گانه خانه موسیقی که قرار بود از اول مردادماه برگزار شود به دلیل اوج گیری دوباره شیوع ویروس کرونا و ممنوعیت برگزاری همایش‌ها و تجمعات فرهنگی به تعویق افتاد.

مجامع عمومی نوبت اول جهت انتخابات کانون‌های ده گانه خانه موسیقی قرار بود طبق جدول زمانبندی اعلام شده از طریق سایت خانه موسیقی، از اول مردادماه برگزار شود که به دلیل شیوع گسترده ویروس کرونا، ممنوعیت تجمعات فرهنگی و لزوم حفظ سلامت اعضای محترم خانه موسیقی به تعویق افتاد.

لازم به ذکر است، زمان و مکان برگزاری مجامع نوبت اول هنگام مساعد شدن شرایط متعاقبا اعلام می‌گردد.

## نشست مدیر عامل خانه موسیقی ایران

## با مدیر موسیقی شهرداری تهران

حمیدرضا نوربخش مدیر عامل خانه موسیقی و امیر حسین سمیعی مدیر موسیقی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران ۱ مرداد ماه در محل خانه موسیقی به گفتگو نشستند.



در این دیدار صمیمانه دو طرف پیرامون وضعیت فعلی موسیقی به گفتگو پرداخته و بر ادامه تعامل و همکاری خانه موسیقی ایران و مدیریت موسیقی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و همچنین استفاده از پتانسیل‌های موجود در جهت حمایت از موسیقی هنری، هنرمندان و گروه‌های موسیقی جوان تاکید کردند.

دیگر حاضران در این نشست حمیدرضا عاطفی معاون اجرایی خانه موسیقی ایران، مصطفی بانیان و شهرام صارمی کارشناس مدیریت موسیقی سازمان فرهنگی هنری شهرداری بودند.

خانه موسیقی ایران و مدیریت موسیقی سازمان فرهنگی هنری شهرداری در همه دوره‌ها همکاری‌های نزدیکی در خصوص اجرای برنامه‌های موسیقی، کنسرت، تجلیل و بزرگداشت استادان و پیشکسوتان موسیقی و... داشته‌اند.

کنسرت آنلاین «ارکستر خواجوی کرمانی»  
برای کادر درمانی کشور

کنسرت آنلاین «ارکستر خواجوی کرمانی» به رهبری

این جایزه ۱۲ سپتامبر در مراسم ویژه این کمیسیون به این هنرمند پیشکسوت اهدا خواهد شد.

لوریس چکناواریان در سال ۲۰۱۴ دو کنسرت را برای کمک به آسیب دیدگان زلزله بم در فرانسه و همچنین کنسرت‌هایی را در ایران و امریکا برای کمک به کودکان مبتلا به سرطان محک رهبری کرده است و جشنواره هنر برای صلح ایران که جایزه ویژه سال ۲۰۱۹ این کمیسیون را دریافت کرده، در خرداد ماه سال جاری این هنرمند پیشکسوت ایرانی را برای دریافت جایزه سال ۲۰۲۰ به این کمیسیون معرفی کرده بود.

The Books for Peace Award جایزه ای است به یاد «خاویر والدز» روزنامه نگار مشهور مکزیکی که در مبارزه با قاچاق مواد مخدر در مکزیک به قتل رسید، این جایزه از سال ۲۰۱۷، از سوی کمیسیون ویژه این جایزه، هر سال به افراد و گروه‌هایی که در زمینه گسترش فرهنگ صلح، فعالیت‌های بشردوستانه و خیرخواهانه فعالیت می کنند اهدا می شود.

### خانه هنرمندان ایران در آستانه تعطیلی است

مدیرعامل خانه موسیقی و عضو شورای عالی خانه هنرمندان ایران از شرایط دشوار هنرمندان عرصه موسیقی در پی تعطیلی کلاس‌های آموزش موسیقی می‌گوید و خطر تعطیلی خانه هنرمندان ایران را جدی می‌داند.

حمیدرضا نوربخش (مدیرعامل خانه موسیقی و عضو شورای عالی خانه هنرمندان ایران) در یادداشتی می‌گوید: از اوایل اسفند ماه که کرونا تمام جهان را تحت تاثیر قرار داد و همه فعالیت‌ها را فلج کرد، جامعه موسیقی نیز از این شرایط متاثر شد. در این مدت دغدغه خانه موسیقی به عنوان نهاد صنفی تخصصی اهالی موسیقی این بوده که مسائل معیشتی و دیگر مشکلات صنف را پیگیری کند و بتواند به نوعی کمک‌هایی را جذب کند تا از این بحران عبور کنیم. کلیه مسائل صنفی و رفاهی هنرمندان از مسیر صندوق اعتباری هنر می‌گذرد، ما هم در صندوق برنامه‌ای را اعلام کردیم که بنا بر آن قرار شد حق بیمه تامین اجتماعی هنرمندان از طریق صندوق پرداخت شود. حق بیمه هرچند بار کوچکی بود اما تلاش کردیم آن را از دوش جامعه موسیقی برداریم. انجام این کار فراز و نشیب‌هایی داشت اما خوشبختانه حق بیمه سه ماه فصل بهار را موفق شدیم که از طریق صندوق اعتباری هنر پرداخت کنیم. همچنین بحث وام‌های کارآفرینی را پیگیری کردیم و در همین زمینه جلساتی با دکتر نوبخت داشتیم و ایشان هم قول دادند که کمک کنند و فکر می‌کنم در حال انجام است. عددی تعیین شد که به عنوان وام با بهره پایین به اهالی هنر و از جمله به هنرمندان عرصه موسیقی پرداخت شود. به هر حال مشغول پیگیری هستیم که بخشی از مشکلات را حل کنیم، گرچه مشکلات بیشتر از اینهاست؛ جامعه موسیقی در طول این پنج ماه آسیب‌های بسیار جدی دیده است؛ اغلب فعالان عرصه موسیقی در حوزه آموزش موسیقی فعالیت می‌کنند و کنسرت‌ها و اجراها بخش فراگیر فعالیت‌ها نبود، هر چند که این بخش نیز به‌طور کلی تعطیل شده است. خانه موسیقی حدود پانزده

میر امیر میری و خوانندگی وحید تاج ۲۰ مردادماه در مجموعه کاروانسرای گنجعلی خان شهر کرمان اجرا و به کادر درمانی کشور تقدیم شد.

«ارکستر خواجوی کرمانی» از سال گذشته متشکل از نوازندگان شهر کرمان به سرپرستی سهیل حسنی سعدی تاسیس شد. این ارکستر پس چند جلسه تمرین نخستین کنسرت خود را به صورت آنلاین به رهبری میر امیر میری، خوانندگی وحید تاج و حضور چند نوازنده میهمان در کاروانسرای گنجعلی خان کرمان با اجرای چند قطعه از ساخته‌های میری، یک قطعه آوازی و سرودای ایران ساخته روح الله خالقی به روی صحنه برد.

وحید تاج در بین اجرای این برنامه که برای قدردانی از تلاش‌های کادر بهداشت و درمان برگزار شد، به نقل از یکی از مسئولین دانشگاه علوم پزشکی کرمان گفت: کادر درمان بریده‌اند و شرایط بر آن‌ها سخت است و آن‌ها با مرگ هر بیمار کرونا، می‌گیرند.

این خواننده موسیقی ایرانی که از وضعیت کادر درمانی و تعداد بالای مبتلایان و قربانیان بیماری کرونا منقلب شده بود گفت: از مردم ایران می‌خواهم تا کرونا را جدی بگیرند و نگذارند وضع از این که هست بدتر بشود.

«ارکستر خواجوی کرمانی» با حمایت شهرداری کرمان به روی صحنه رفت. این کنسرت به دلیل شیوع کرونا، بدون حضور تماشاگر و از طریق پخش از آپارات و اینستاگرام برگزار شد.

### چکناواریان برنده «جایزه کتاب‌ها برای صلح» سال ۲۰۲۰



کمیسیون کتاب‌ها برای صلح، به اتفاق آراء، لوریس چکناواریان را شایسته دریافت جایزه ویژه سال ۲۰۲۰ این کمیسیون دانستند. کمیسیون کتاب‌ها برای صلح که از سازمان‌های همکار سازمان جهانی یونسکو محسوب می‌شود و مقر آن در رم ایتالیا واقع است، از چندین سازمان غیر دولتی از کشورهای مختلف تشکیل شده است که با سازمان یونسکو در زمینه گسترش فرهنگ صلح همکاری می‌کند.

این کمیسیون پس از بررسی معرفی نامه و سوابق لوریس چکناواریان موسیقیدان ایرانی-ارمنی دارنده نشان عالی هنر برای صلح که سالها با هنرش فعالیت‌هایی خیرخواهانه و بشردوستانه در جهت گسترش فرهنگ صلح انجام داده است، به اتفاق آراء آقای چکناواریان را شایسته دریافت این جایزه تشخیص دادند و

اینها به خانه هنرمندان ایران کمک شود. خانه هنرمندان ایران همه روزه صدها بازدیدکننده داشت، اما در چند ماه اخیر به دلیل شرایط ناشی از کرونا مراجعه‌ای به آن صورت نمی‌گیرد. متأسفانه از اسفند همه برنامه‌های خانه از نمایشگاه‌ها و تئاتر و کنسرت تا پخش فیلم و دیگر رویدادهای هنری و نشست‌ها تعطیل شده است. حتی یکی، دو ماه پیش که مجوز برخی فعالیت‌ها با رعایت پروتکل‌های بهداشتی صادر شد، باز هم شرایط خانه هنرمندان ایران به دوران پیش از کرونا بازنگشت و شرایط هنوز هم به همان منوال است. با توجه به هزینه‌هایی که این مجموعه دارد، مشکلات آن فراتر از حد تصور است. ما انتظار داریم که به این مرکز توجه بیشتری صورت بگیرد، هم از طرف دولت و وزارت ارشاد و هم از سوی شهرداری. خانه هنرمندان ایران الان واقعا در خطر تعطیلی قرار دارد و امیدوارم مسوولان دولتی توجه جدی‌تری به این مجموعه داشته باشند. در مورد ردیف بودجه قول‌هایی داده شده اما متأسفانه محقق نشده است. وزارت ارشاد واقعا هیچ کمکی به خانه هنرمندان ایران نکرده است، نه الان و نه سال گذشته.

هزار عضو دارد. موسیقیدانان نواحی در نقاط مختلف کشور بسیار متضرر شدند. برنامه‌های مختلفی که در نقاط مختلف مرسوم بودند تعطیل شدند. این اواخر در مورد کنسرت‌ها مثل سینماها گفتند با رعایت فاصله‌گذاری فیزیکی امکان برگزاری وجود دارد، اما در عمل استقبالی صورت نگرفت. به هر حال در مورد کرونا نگرانی وجود دارد و این نگرانی‌ها بحق است. به همین دلیل فکر می‌کنم موسیقی بیشتر از سایر بخش‌ها آسیب دیده است. به هر حال ما تلاش‌های مان را انجام داده‌ایم تا کمک‌هایی را از دولت دریافت کنیم و امیدواریم در آینده نزدیک و اماها پرداخت شود تا در این شرایط شاید کمک کوچکی صورت بگیرد.

خانه هنرمندان ایران به عنوان مجمع همه صنوف هنری، نهاد مهمی به حساب می‌آید. من شهادت می‌دهم که متأسفانه آنچنان که باید به خانه هنرمندان ایران توجهی نشده و این مجموعه الان در حال تعطیل شدن است. اینجا نهاد بسیار مهمی هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی است و در طول این سال‌ها توانسته اعتبار خوبی کسب کند و انتظار می‌رود که بیش از

## در گذشتگان تابستان ۱۳۹۹

■ دلدار رسول‌زاده از هنرمندان پیشکسوت موسیقی مقامی خراسان ۲۲

شهریور ماه در سن ۷۶ سالگی دار فانی را وداع گفت.

■ محمد رضا نوایی، مدیرعامل شرکت گلنوی هنر از ناشران موسیقی ۱۰ شهریورماه درگذشت.

■ سهراب محمدی، بخشی نامدار کرمانج‌های خراسان ۲۲ مردادماه دارفانی را وداع گفت.

■ محمد دُولو از عکاسان پیشکسوت موسیقی و ورزش کشورمان که سابقه‌ای طولانی در عکاسی از هنرمندان صاحب نام حوزه موسیقی ایرانی و چهره‌های فوتبال داشت، ۱۲ مرداد ماه دار فانی را وداع گفت.

■ حسین عقیلی هنرمند پیشکسوت زنجانی که در ساخت سازهای سنتی فعالیت‌های متعددی داشت ۶ مردادماه در سن هفتاد سالگی دارفانی را وداع گفت.

■ پهلوان رسول بخش زنگشاهی نوازنده پیشکسوت قیچک سیستان و بلوچستان ۲ مردادماه دار فانی را وداع گفت.

■ عیسی رستمی‌افین هنرمند پیشکسوت موسیقی مقامی خراسان جنوبی ۲ مردادماه بر اثر ابتلا به بیماری کرونا در شهر قاین دارفانی را وداع گفت.

■ محمدرضا اعرابی خواننده اصفهانی در ۳۸ سالگی در اثر ابتلا به بیماری کرونا ۸ مردادماه پس از چند روز بستری بودن در بخش مراقبت‌های ویژه درگذشت.

■ حسین قلمی، سازنده سازهای ایرانی روز جمعه ۶ تیرماه دار فانی را وداع گفت.

